

جریان‌شناسی علمی و دینی در هند؛ علما و اندیشمندان شیعه در منطقه

محسن محمدی^۱

چکیده

همزمان با ورود اسلام به هند در قرن اول هجری، تشیع نیز وارد هند شد. یکی از نکات مهم در مطالعات شیعیان در هند بررسی شخصیت‌شناسی علمی آنهاست. علمای هند را از صدر اسلام و حتی در بین راویان حدیث نیز می‌توان یافت. پس از مدتی حکومت‌های شیعی در هند بر سر کار آمدند که زمینه را برای فعالیت علما و اندیشمندان شیعی فراهم کردند. در این بین مهاجرت علمای شیعه به هند نیز در گسترش علمی شیعیان هند بسیار موثر بود. بر این اساس کتاب‌های رجال و تراجم زیادی برای بررسی شرح حال علمای شیعه هند نوشته شده است. علمای شیعه هند در همه ایالت‌های هند حضور داشتند و در برخی شهرها مانند لکنهو و حیدرآباد حضور بیشتری داشتند. از جهت موضوع فعالیت و آثار علمی نیز کلام مهم‌ترین و گسترده‌ترین عرصه فعالیت علمای شیعه در هند است. مهم‌ترین علمای شیعه هند عبارتند از: قاضی نور الله شوشتری، مجد علی حزین، سید دلدار علی نقوی و فرزندان ایشان، محمد قلی موسوی، میرحامد حسین، سید ناصر حسین.

واژگان کلیدی: هند، شیعیان، علما، حکومت‌های شیعی هند، مهاجرت علما.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای، دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی

ت. تصویب: ۱۳۹۴/۲/۲۸

ت. دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۴

مقدمه

تاریخ ورود اسلام به هند با افسانه‌ها و موهومات در هم آمیخته است ولی تاجران عرب مسلمان در زمان پیامبر، اسلام را در جزایر و سواحل جنوب هند رواج دادند.^۱ در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام، نیروهای عرب از مرزهای سند عبور کردند. بخشی از مردم "جات" در منطقه سند ارادتی عمیق نسبت به حضرت علی علیه السلام داشتند.^۲ شنسب، جد غوریان که فاتح شمال هند بود، به دست حضرت علی (ع) اسلام آورد و با امام، پیمان وفاداری بست و از ایشان دستورالعمل حکومت‌داری گرفت.^۳ افزون بر این همسر امام زین العابدین (ع) مادر زیدین علی از مردم سند است^۴ که در توسعه و تعمیق تشیع در هند بسیار مؤثر بود.^۵ متفکران و دانشمندان این منطقه به دیدار ائمه علیهم السلام می‌رفتند و با مسلک ایشان آشنا می‌شدند. مثلاً ابوخالد کابلی بارها به مدینه رفت و با امام محمدباقر و امام جعفر صادق دیدار نمود.^۶ تقریباً اندکی قبل و همزمان با دولت صفوی، تشیع امامی به عنوان مذهب رسمی شماری از دولت‌های منطقه‌ای و محلی در شبه قاره بوده است.^۷ در طول تاریخ اسلامی اسلامی هند، چندین سلسله حکومتی شیعه در شبه قاره هند به وجود آمد. برخی از حاکمان غزنوی هند نیز ایرانی نژاد و بسیاری شیعه مذهب بودند. هم زمان با ظهور حکومت قدرتمند شیعی صفوی در ایران در اواخر قرن نهم هجری، شیعیان هندوستان نیز نیروی جدیدی به دست آوردند و مذهب شیعه در آنجا رواج بیشتری یافت.

۱. فتوح البلدان، بلاذری، ص ۴۳۲، لیدن، ۱۹۶۸م.
۲. الکامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۵ و ۴۶.
۳. طبقات ناصری، منہاج سراج جوزجانی، ص ۲۹، کلکته، سال ۱۸۶۴م.
۴. المعارف، ابن قتیبه، ص ۳۷، مصر، بی تا؛ مقاتل الطالبین، ص ۱۲۷؛ زید الشہید، عبدالرزاق نجفی، ص ۵، نجف، بی تا.
۵. ر. ک: شیعه در هند، سید عباس اطهر رضوی، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۳۹، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
۶. گلشن ابراهیمی، فرشته (محمد قاسم هندوشاه)، ج ۱ ص ۹۵.
۷. اطلس شیعه، ص ۵۷۱.

در منابع تاریخی از تعداد و محل دقیق شیعیان هند در گذر زمان، اطلاعات چندانی نیست، اما درباره ظهور اسماعیلیه در بین سال‌های ۶۳۴ تا ۶۳۸ هجری تردیدی نیست. بهمنیان گرچه به صورت رسمی سنی مذهب شناخته می‌شدند، اما با داشتن گرایش‌های شیعی، به فرقه رسمی خود رنگ و بویی دیگر داده بودند تا آن که در سال ۸۳۳ هجری احمد شاه ولی بهمنی آشکارا به آیین تشیع درآمد. بعدها یوسف عادل شاه و پسرش اسماعیل (۸۹۸ تا ۹۱۶ هجری) بنیان‌گذاران پادشاهی بی جاپور، با تبعیت از سلسله صفوی در ایران، به آیین‌ها و مراسم‌های شیعی روی آوردند و این آیین را بر نظام اداری حاکم ساختند. همچنین گل‌کنده قلی قطب شاه، حکومتی شیعی تاسیس کرد و در آن به نام ۱۲ امام علیهم السلام خطبه خواند. وزیر او عالمی شیعی و از شاگردان شیخ بهایی بود. در دوران حکومت‌های شیعی در جنوب هند، نظام اجرایی، قضایی و دینی این حکومت‌ها در دست فقهای اعزامی از ایران بود. این عالمان و فقهای مهاجر، تشیع را در جنوب هند در سطح گسترده‌ای ترویج کردند و به ویژه مراسم سوگواری سالار شهیدان کربلا را در ماه‌های محرم و صفر همگانی نمودند.^۱

بسترشناسی فرهنگی اجتماعی تقویت بنیه علمی شیعیان هند

۱- حکومت‌های شیعی و تاثیرات آنها بر تقویت علم و علما در هند

در این بخش حکومت‌های شیعی در شمال و جنوب هند و عملکرد و نگرش علمی-فرهنگی آنها را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل سیاسی - اجتماعی تقویت علمای شیعه در هند بررسی می‌کنیم.

الف) حکومت‌های شیعی در جنوب هند

اولین حکومت اسلامی در جنوب هند توسط بهمنی‌ها در سال ۷۴۸-۹۳۳ق ۱۳۴۷-۱۵۲۶م تشکیل شد. آنها ابتدا اهل تسنن بودند ولی این حکومت در ادامه شیعه

گشت^۱ و آثار معماری برخاسته از فرهنگ و نمادهای شیعه از خود بر جای گذاشت.^۲ دولت بهمنی (۱۳۴۷-۱۵۱۸م) در منطقه دکن (جنوب هند) پس از انقراض به پنج دولت کوچک محلی تجزیه شد که سه مورد از آن شیعه بودند: نظام‌شاهی در احمدنگر، قطب‌شاهی در حیدرآباد (گلکنده) و عادل‌شاهی در بیجاپور. این دولت‌ها از اهمیت تاریخی و فرهنگی زیادی برخوردار بودند. در این دوران، شبه جزیره دکن، مانند دربار گورکانیان، مأوای فرهیختگان بود و نویسندگان و هنرمندان زیادی با حاکمان شیعی منطقه پیوندی استوار داشتند.^۳

یوسف عادل شاه که هم عصر شاه اسماعیل صفوی (۱۹۵ق - ۹۱۵ق) است حکومت شیعیان را در بیجاپور بسط و رونقی تمام داد و در زمینه‌های علمی و ادبی و اخلاقی کارهای مهمی انجام داد.^۴

در اواخر حکومت گورکانیان نیز بار دیگر حکومتی شیعی در دکن شکل گرفت. نظام الملک دولت حیدرآباد دکن را در سال ۱۷۲۴م/۱۱۳۷ق تاسیس کرد که البته به رغم استقلال عملی دولتش، همواره خود را تابع دولت گورکانی دهلی می‌خواند.^۵ در دوران او بار دیگر شهر حیدرآباد به کانون شکوفای فرهنگ هند تبدیل شد. او نه تنها حامی بزرگ اندیشمندان و هنرمندان بود، بلکه خود نیز شاعر بود و دیوان اشعارش در دو جلد به چاپ رسیده است.^۶ وزیر این دولت عبدالرزاق شهناز خان (۱۷۰۰-۱۷۵۸م) مردی دانشمند و نویسنده‌ای بزرگ بود. او نویسنده کتاب معروف *مآثر الامرا*^۷ است که باکلند آن را مهم‌ترین

۱. ر. ک: گلشن ابراهیمی، محمد قاسم هندوشاه استرآبادی، ج ۳، صص ۲۹۱-۳۰۱، بی‌تا.

۲. Yazdian, G. "The Great Mosque of Gulbarga" f ۱۹. *Islamic Culture*, II, ۱۹۲۸.

۳. ایران و جهان، از مغول تا قاجاریه، ص ۵۰۰.

۴. تالیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۵. *Indirect Rule in India; Residents and residency System ۱۷۶۴-۱۸۵۷*, Michael H. fisher, p۳۸۷, Delhi: oxford University Press, ۱۹۹۱.

۶. *The Encyclopaedia of Islam*, new Edition: E. J. Brill, Vol. ۱, p۳۲۰, ۱۹۶۰.

۷. این اثر مهم به زبان فارسی و در یک دوره شش ساله خانه‌نشینی نوشته شده است و فرهنگ رجال هند به شمار

کتاب تاریخی که در سده هیجدهم در هند نوشته شده است می‌داند.^۱

هفتمین سلطان دولت حیدرآباد در این دوران، عثمان علی خان نام داشت. او مردی دانش‌دوست و ادب‌پرور بود. وی به گروهی از رجال علم و ادب در هندوستان و خارج مقرر می‌داد. ایشان مراکز علمی متعددی را ایجاد نمودند.^۲

ب) حکومت‌های شیعی در شمال هند

هم‌زمان با ضعف حکومت مغول‌ها در دهلی در سال ۱۲۳۴ق/۱۷۲۲م، سعادت خان برهان‌الملک پس از رفع غائله در ایالت اوده به فرمانداری این منطقه منصوب گردید. وی شهر فیض‌آباد را مرکز فرمانروایی خود قرار داد. برهان‌الملک مردی علم‌دوست و از سادات نیشابور بود. با تأسیس حکومت اوده و خاموش شدن چراغ علم و دانش در دهلی، ایالت اوده مرکز علما، دانشمندان و مهد علوم و فنون اسلامی گردید. در زمان آصف‌الدوله شهر لکنهو به کلی دگرگون شد؛ چهره‌های ایرانی یافت، جمعیت آن بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر شد و ابنیه بسیاری ساخته شد.^۳ او به علم و علما بسیار توجه داشت و به حفظ و تقویت میراث علمی شیعه همت می‌گماشت^۴ لذا علما و دانشمندان از سراسر هند و جهان اسلام به این منطقه روی آوردند.^۵

می‌رود که زندگی‌نامه ۷۳۰ تن از شخصیت‌های سیاسی دوران گورکانی را در بر دارد. این کتاب در سال‌های ۱۸۸۷-۱۸۹۵م به کوشش مولوی عبدالرحیم و مولوی میرزا اشرف علی در سه جلد بزرگ در کلکته چاپ شد.

۱. Dictionary of Indian Biography, C. E. Buckland, p۳۸۵, London: Swan Sonnenschein & Co., ۱۹۰۶.

۲. ر. ک: سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، عزیز الله عطاردی، ص ۱۵۳ و ۱۷۵، انجمن مخطوطات ایران و انتشارات عطارد، تهران، ۱۳۷۶.

۳. Roots of North Indian Shi'ism in Iran and Iraq; Religion and State in Awadh ۱۷۲۲-۱۸۵۹, J. H. Cole, p۹۴, Delhe: Oxford University Press, ۱۹۸۹;

همچنین بنگرید به: مرآت الاحوال جهان‌نما، آقا احمد بن محمدعلی بهبهانی، ج ۱، ص ۵۲۳، قم، انصاریان، ۱۳۷۳.

۴. ر. ک: "کتابخانه‌های لکنهو"، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۵. ر. ک: "استعمار انگلیس و حکومت شیعی اود"، ص ۱۰۷.

از میان پادشاهان اوده واجد علی شاه^۱ (۱۲۶۳ق / ۱۸۴۷م - ۱۲۷۱ق - ۱۸۵۶م) استعداد و علاقه بیشتری به مباحث علمی و ادبی داشت، به طوری که تعداد تألیفاتش از نثر و نظم به چهل و شش کتاب و رساله می‌رسد. علاقه او به علم و کتاب سبب شده بود کتابخانه عظیم و مهمی برای خود فراهم کند.^۲

علاوه بر این در کشمیر نیز حکومت‌های شیعی برقرار بود که در ترویج علم و ارج نهادن به علما فعال بودند. مثلاً سکندر از پادشاهان اولین حکومت شیعی در هند است که کشمیر را کانون فرهنگ گردانید به طوری که شهرت علمی او بسیاری از دانشمندان را به کشمیر جلب کرد.^۳ نوه سکندر، زین العابدین نیز در طول پنجاه سال حکومت عصر طلایی تاریخ کشمیر را رقم زد. او پادشاهی دانشمند و هنر دوست بود به طوری که اهل علم از دور و نزدیک به دربار او جلب می‌شدند.^۴

۲- مهاجرت علمای شیعی به هند

یکی از مهم‌ترین مسائل در مباحث علمی و فرهنگی هند، مهاجرت علما، صوفیان و تاجران به هند است. این مهاجرت‌ها تأثیر زیادی در هند برجای گذاشته است. بعد از حمله مغول‌ها به ایران، عراق و آسیای مرکزی، عده زیادی از سادات به هند مهاجرت کردند که در بین آنها عده‌ای از علما، صوفیان، شعرا، نویسندگان، اطبا و دانشمندان مشهور نیز بودند. آنها در هند از طرف سلاطین دهلی مورد استقبال قرار گرفتند.^۵ رکود دولت صفوی و نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی که به دنبال آن در ایران ایجاد شد نیز سبب مهاجرت بسیاری از رجال سیاسی، علمی و اقتصادی ایران به هند شد که به دنبال امنیت و آرامش بودند.^۶

۱. ر. ک: سلطان عالم واجد علی شاه، سید مسعود حسن رضوی، لکنهو، آل اندیا میر آکادمی، ۱۹۸۳م، (اردو).

۲. ر. ک: تألیفات شیعه در شبه قاره، ص ۱۲.

۳. تشیع در هند، جان نورمن هالیستر، ص ۱۶۴.

۴. همان، ص ۱۶۵.

۵. ر. ک: شیعه در هند، ج ۱، صص ۲۵۶-۲۵۲؛ تشیع در هند، جان نورمن هالیستر، ص ۱۱۳.

۶. تعاملات میر عبداللطیف شوشتری با حکومت انگلیسی هندوستان، مسعود مرادی، ص ۱۱۰، مجله پژوهش‌های

تاریخی، بهار ۱۳۸۹.

از طرف دیگر حکومت پادشاهان دهلی در اثر یورش تیمور به هند از میان رفت. وجود سلسله‌های مستقل در ایالات مختلف که قبلاً در شمال هند و در دکن ظهور کرده بودند، دیگر از سوی پادشاهان دهلی تهدید نمی‌شد. به این ترتیب سلطنت‌ها و سلطان‌نشین‌های ایالتی بیشتری در قرن نهم هجری ظاهر شدند. آنان اعراب، ایرانیان و اهالی ماوراءالنهر را ترغیب می‌کردند که در پادشاهی آنان اسکان گزینند و میراث فرهنگی و دینی آنان را هرچه پربارتر کنند. متفکران و اندیشمندان شیعی در حال تقیه، فرصت را برای به دست آوردن منصب‌هایی در حکومت این سلسله‌های ایالتی مغتنم شمردند.^۱

شیعیان در حکومت بهمنی (۷۴۸-۹۳۲ق) در حیدرآباد دکن حضور فعالی داشتند.^۲ در این مدت هزاران عالم و دانشور از ایران و حجاز به هند مهاجرت کردند و در گسترش شیعه در هند کوشیدند؛ مانند: علاء الدوله سمنانی (۷۳۹ق)، شاه نعمت الله ولی (۸۳۴ق)، سید همدانی، سید نور بخش (۸۶۹ق) و فرزندش شاه نعمت قاسم فیض بخش. قاضی نور الله شوشتری در مورد کشمیر می‌گوید: «از زمانی که سید اجل عارف سید محمد خلف صدق سید المتألهین سید علی همدانی رحمته الله علیه در آن دیار اقامت نمود، بعضی از مردم آنجا به مذهب شیعه درآمدند»^۳

سید علی همدانی همراه هفتصد نفر از سادات در سال ۷۷۴ق وارد کشمیر شد. بسیاری از آنها عالم و دانشمند بودند. سید این افراد را در نقاط مختلف کشمیر اعم از محله‌ها، روستاها و شهرها به عنوان مبلغ و مروج شیعه اعزام می‌کرد.^۴

سید محمد مؤمن استرآبادی عالم برجسته شیعه در قرن دهم (ه. ق) به سوی هند مهاجرت کرد و وارد حیدرآباد شد و بعد از آن به گلکنده مهاجرت نمود و به منصب

۱. شیعه در هند، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. Speight, E. E. "The Coins of the Bahmani Kings of the Deccan", p ۲۴۱, Islamic Culture IX, ۱۹۳۵.

۳. مجالس الطالبین، قاضی نور الله شوشتری، ص ۱۷۸، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.

۴. تاریخ شیعیان، علی حسین رضوی، ص ۳۲۳، مطبوع عباس بک ایجنسی، رستم نگر، درگاه حضرت عباس، لکنهو، ۱۴۲۳ق.

وکالت و پیشوایی حکومت محمد قلی قطب شاه منصوب گردید. در همین دوره از سال ۹۱۸ تا ۱۰۱۸ق عالمان زیادی از ایران^۱ به هند مهاجرت کردند؛ مانند علامه شیخ محمد بن خاتون عاملی، علی بن طیغور بسطانی، محمد امین شهرستانی، محمد حسین بن خلف تبریزی، ملاحسین آملی، شیخ احمد هندی، ابوالفتح مسیح الدین گیلانی و سید نور الله شوشتری.^۲

حکومت بهمنی به عنوان یکی از حکومت‌های شیعه، ۱۲۰۸ق / ۱۶۱۹م ادامه یافت و سپس حکومت‌های ملوک الطوائفی شیعه در شمال هند برقرار شد. به این ترتیب تا قبل از حمله مغول حکومت شیعیان ادامه یافت.^۳

در همه این مراحل ایرانیان حضور فعال در حکومت داشتند. پس از آنان نیز شیعیان در حکومت مغول نفوذ زیادی داشتند و حکومت شیعه در هند ادامه یافت.^۴

یکی از این شخصیت‌ها شیخ فتح الله شیرازی است. ورود ایشان نقطه عطفی در تاریخ شیعه در شمال هند به شمار می‌رود. او یکی از شاگردان ممتاز غیاث الدین شیرازی، همتای ملا دوانی بود.^۵ هم میر غیاث الدین و هم شاه فتح الله شیرازی در حد وسیعی نزد تحصیل کرده‌های مسلمان هند شناخته شده بودند.

یکی از شاگردان شاه فتح الله شیرازی، غیاث الدین مقصود افضل خان شیرازی است. او وکیل السلطنه (نخست وزیر) علی عادل شاه بیجاپوری (۹۶۵-۹۸۸ق / ۱۵۵۸-۱۵۸۰م) بود و تعداد قابل توجهی از تحصیل کردگان را در بیجاپور گردآورده بود. او توانست

۱. درباره مهاجرت ایرانیان به هند نظرات گوناگونی ارائه شده است. حملات اقوام مختلف به ایران که سبب آسفتگی و ناامنی می‌شد. فشارهای سیاسی و انگیزه‌های معنوی جهت تبلیغ و ترویج تشیع. (د. ک: مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، فرهنگ ارشاد، ویراسته ژاله باختر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶).

۲. ر. ک: بررسی جایگاه ایرانیان در شیعه در عرصه علم و سیاست هندوستان، از سده ۹ تا ۱۲ هجری، راضیه نجاتی حسینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳.

۳. ر. ک: تشیع در هند، صص ۱۴۱-۱۲۵.

۴. ر. ک: همان، صص ۱۵۹-۱۴۴.

۵. اکبرنامه، شیخ ابوالفضل علامی، ج ۳، ص ۲۶۳، کلکته، ۱۸۷۳-۱۸۸۷م.

علاقه علی عادل‌شاه را نسبت به معلمش برانگیزاند به طوری که مبلغ هنگفتی پول به عنوان هدیه برای شاه فتح الله فرستاد و هزینه مسافرت راحت او از شیراز به بیجاپور را تأمین کرد.^۱

شاه فتح الله شیرازی در تاریخ ۱۵۸۳م وارد فتح پور شد و پس از مدتی سرآمد دانشمندان دربار شد. او در فلسفه، عرفان، ریاضیات، نجوم و مهندسی در عصر خود بی‌نظیر بود.^۲

علی رغم این که محیط سنی دربار فضا را بر او تنگ کرده بود ولی در حمایت از شیعه و ترویج آن بسیار تلاش کرد.^۳ اقدامات مهم علمی و دیوانی او در پیشبرد اهدافش بسیار مؤثر بود. تا یکسال و نیم پس از ورود، شاه فتح الله به اختراعات مکانیکی و تألیف جدول‌های ریاضی مشغول بود. همچنین او در امور حکومتی اقدامات ارزشمندی در راستای نظم‌بخشی و اداره امور دیوانی انجام داد.^۴ شاه فتح الله در ۱۵۸۹ در هند درگذشت.

علاوه بر علما، صوفیان^۵، شاعران^۶ و هنرمندان^۷ زیادی به هند مهاجرت کردند که به نوبه خود در تقویت شیعه در هند مؤثر بودند.

در پایان این بخش جدولی از مهاجرت علمای شیعه به هند ارائه می‌کنیم.

۱. بساتین السلاطین، غلام مرتضی زبیری، صص ۱۳۲-۱۳۰، حیدرآباد، رکن، ۱۳۱۰ق.

۲. تاریخ شیعه اثنی عشری در هند، ج ۲، صص ۱۹۶-۲۱۱.

۳. ر. ک: منتخب التواریخ، عبدالقادر بدایونی، ج ۲، ص ۳۱۶، کلکته، ۱۸۶۹-۱۸۶۴.

۴. ر. ک: آیین اکبری، شیخ ابوالفضل علامی، ج ۱، صص ۳۱۶-۳۱۵، لکهنو، ۱۸۹۲م.

۵. تاریخ تصوف در هند، سید اطهر عباس روضوی، منصور معتمدی، ج ۱، صص ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۴ و ۲۷۶، تهران، مرکز نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰؛ شیعه در هند، ج ۱، صص ۲۴۹-۲۵۲.

۶. ر. ک: شاهان شاعر، ابوالقاسم حالت، انتشارات علمی تهران، ۱۳۴۶ش؛ اکبرنامه، ابوالفضل علامی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.

۷. مهاجرت هنرمندان ایرانی به هند در دوره صفوی، کوشا کفایت، مجله آیین میراث، دوره جدید، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۳.

علمای مهاجر به هند

ردیف	نام	مبدأ	شهر محل اقامت	قرن (ق)
۱	شاه طاهر دکنی، شاه طاهر بن رضی الدین	مصر	احمدنگر	دهم
۲	شاه میر تقی الدین سید طباطبایی	ایران	-----	دهم
۳	ابوالفتح مسیح الدین گیلانی	ایران، گیلان		دهم
۴	سید ابوالکارم، بدر الدین حسن النقیب	عربستان، مدینه	حیدرآباد، دکن	دهم
۵	قوام شیرازی، محمد	ایران، شیراز	بیجاپور	دهم
۶	قاضی نور الله شوشتری	ایران، شوشتر	آگرا	دهم
۷	سید شریف الدین موسوی ابن نور الله شوشتری	ایران، شوشتر	اکبر آباد	یازدهم
۸	سید شرف الدین (جد بزرگ مفتی محمد قلی خان)	ایران	کنتور	یازدهم
۹	سید ابوالغنائم محمد بن حسین الحلی	ایران	-----	یازدهم
۱۰	شیخ حسین بن حسن عاملی المشعری	ایران	-----	یازدهم
۱۱	میرزا محمد کاظم	ایران، تبریز	حیدر آباد	یازدهم
۱۲	امیر محمد مومن الحسینی استرآباد	عربستان، مکه	حیدر آباد	یازدهم
۱۳	شیخ شمس الدین ابوالمعالی محمد	ایران، اصفهان	حیدر آباد	یازدهم
۱۴	سید اسماعیل طباطبایی اصفهانی	ایران، اصفهان	لکنهو	یازدهم
۱۵	شیخ حسین بن شهاب	ایران، عامل	حیدر آباد	یازدهم
۱۶	سید جمال الدین بن سید نورالدین حسینی	عربستان، مکه	حیدر آباد	یازدهم
۱۷	شیخ حسین بن شهاب الدین کرکی	ایران، عامل	حیدر آباد	یازدهم
۱۸	امیر سید معزالدین محمد بن امیر ظهیر الدین	ایران، اردستان	حیدر آباد	یازدهم
۱۹	اردکانی مولا علی رضا، تجلی	ایران، اصفهان	-----	یازدهم
۲۰	عبدالله مجلسی	ایران، اصفهان	-----	یازدهم
۲۱	مهذب الدین احمد بن عبد الرضا	عراق، بصره	حیدر آباد	یازدهم
۲۲	مهذب الدین احمد بن رضا	ایران	حیدر آباد	یازدهم
۲۳	جعفر بن کمال الدین بحرانی	بحرین	حیدر آباد	یازدهم
۲۴	محمد بن علی بن محمود بن یوسف	شام	حیدر آباد	یازدهم
۲۵	سید نظام الدین احمد بن محمد معصوم	عربستان، مکه	حیدر آباد	یازدهم
۲۶	سید میرزا سید محمد بن سید شریف الدین	ایران، شوشتر	حیدر آباد	یازدهم
۲۷	فرشته محمد قاسم	عربستان	احمد نگر	یازدهم

۲۸	ملا فرج الله شوشتری	ایران، شوشتر	حیدر آباد	یازدهم
۲۹	عبدالمطلب خان، تنهای اصفهانی، تنهای پنجابی	ایران، اصفهان	کشمیر	دوازدهم
۳۰	محمد سعید بن ملاصالح مازندرانی	ایران، مازندران	پنتا	دوازدهم
۳۱	صدرالدین علی ابن نظام الدین احمد حسنی	عربستان، مدینه	حیدر آباد	دوازدهم
۳۲	سید علی خان کبیر	عربستان، مدینه	حیدر آباد	دوازدهم
۳۳	شیخ احمد بن صالح بن حاجی بن علی بن عبدالله	بحرین	حیدر آباد	دوازدهم
۳۴	بهاء الدین محمد بن تاج الدین (فاضل هندی)	ایران، اصفهان	-----	دوازدهم
۳۵	سید نعمت الله (سید آغایی)	ایران، شوشتر	پیشاور	دوازدهم
۳۶	سید حسین بن سید نور الدین	ایران، شوشتر	دهلی	دوازدهم
۳۷	شیخ محمدعلی بن ابوطالب	ایران، اصفهان	دهلی	دوازدهم
۳۸	سید ابوالحسن بن سید عبدالله	ایران، شوشتر	حیدر آباد	دوازدهم
۳۹	سید رضی بن سید نور الدین الموسوی	ایران، شوشتر	حیدر آباد	دوازدهم
۴۰	سید مهدی بن سید عبدالله بن سید نور الدین	ایران، شوشتر	بنگال، مرشد آباد	سیزدهم
۴۱	شیخ مولا ابوالقاسم خراسانی	ایران، خراسان	عظیم آباد	سیزدهم
۴۲	سید محمد جعفر جزائری	ایران، شوشتر	لکهنو	سیزدهم
۴۳	میر عبداللطیف	ایران، شوشتر	لکهنو	سیزدهم
۴۴	شیخ مولا اسماعیل خوانساری	ایران، خوانسار	لکهنو	سیزدهم
۴۵	ابوطالب خان	ایران، تبریز	لکهنو	سیزدهم
۴۶	سید محمدحسین مرعشی حائری	ایران	فیض آباد	سیزدهم
۴۷	آقا احمد کرمان شاهی	ایران، کرمانشاه	-----	سیزدهم
۴۸	آقا احمدبن آقا محمد علی بن آقا باقر بهبهانی	ایران، بهبهان	حیدرآباد	سیزدهم
۴۹	ملا مهدی بن محمد شفیع استرآبادی	ایران، مازندران	لکهنو	سیزدهم
۵۰	مولانا محمد شکوه	ایران، همدان	دهلی	سیزدهم
۵۱	آزاد قزوینی	ایران، قزوین	-----	سیزدهم
۵۲	شیخ احمد شیروانی یمنی	یمن	کلکته	سیزدهم
۵۳	مولا شیخ محمد مهدی	عربستان	لکهنو	سیزدهم
۵۴	راجن شاه سید محمد راجو	عراق	راجن پور	سیزدهم
۵۵	سید جمال الدین اسدآبادی	ایران، همدان	کلکته	چهاردهم
۵۶	بلبله عبدالرحیم	افغانستان، قفقاز	بمبئی	چهاردهم
۵۷	مولانا میرزا مهدی پویا	ایران، یزد	مدارس	چهاردهم
۵۸	سید الاطباء شرف الدین سید علی مرعشی	عراق، کربلا	-----	چهاردهم
۵۹	مولانا شیخ عبدالعلی هروی	ایران، مشهد	لاهور	چهاردهم

چهاردهم	بمبئی	ایران، کاشان	جلال الدین حسینی کاشانی	۶۰
چهاردهم	-----	عراق، نجف	کاشف الغطا شیخ علی	۶۱
چهاردهم	-----	ایران، خوانسار	سید محمدتقی خوانساری	۶۲
چهاردهم	-----	عراق، سامرا	شهرستانی سید هبه الله	۶۳
چهاردهم	بمبئی	ایران، گرگان	شمس العلماء گرگانی	۶۴
چهاردهم	بمبئی	ایران، مازندران	داعی الاسلام سید محمد علی بن فضل الله	۶۵
چهاردهم	کویت	افغانستان	مولانا علی افتخاری	۶۶
چهاردهم	کراچی	عراق، بصره	مولانا فاضل السهلانی	۶۷
چهاردهم	کراچی	ایران، اصفهان	مولانا شیخ محمد شریعت	۶۸

مروری بر کتاب‌های شرح حال نویسی علمای شیعه در هند

در این بخش کتاب‌هایی را که درباره علمای شیعه هند نگاشته شده است مرور و بررسی می‌کنیم و به نوعی پیشینه پژوهش را بیان می‌کنیم.

۱. تذکره بی بهاء در تاریخ علما (دهلی هند، بی تا)

این کتاب دوجلدی اثر علامه سید محمد حسین نوگانوی است. این کتاب مفصل و قدیمی به ترتیب حروف الفبا نوشته شده و وقایع مربوط به هر یک از علما را ذکر کرده است و سعی کرده مدرک و منبع خود را نیز ذکر کند. البته در برخی به همراه تألیفات موارد، نام‌ها دقیق بیان نشده یا برخی از شخصیت‌ها ذکر نشده است یا این که تألیفاتشان به صورت کامل نیامده است.

۲. نزهة الخواطر (دار ابن حزم، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق)

فخرالدین حسینی در این کتاب ۷ جلدی علمای شیعه و سنی هند و پاکستان را به ترتیب قرن بررسی کرده است. ولی این نویسنده سنی در نقل مطالب مربوط به شیعه دچار تعصب شده است مثلاً فضایل علمای شیعه را کامل بیان نکرده است و فقط علمای معروف شیعه را بیان کرده است.

۳. خورشید خاور (معارف، پبلیکشنز، گوپالپور، باقر گنج، ضلع، سیوان، بهار، هندوستان)

سید سعید اختر رضوی در این کتاب علمای هند را به ترتیب الفبایی و با متنی کوتاه بررسی کرده است. لذا مشاهیر علما را نیاورده و تمام تألیفات علما را ذکر نکرده است.

در انتساب مطالب به منابع نیز اشتباهاتی رخ داده است.

۴. الذریعه (مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان، الطب الثانیه، سال ۱۴۰۸ق)

شیخ آغا بزرگ تهرانی در این کتاب پرمحتوا و جامع علمای شیعه را بررسی کرده است. البته این کتاب بر کتاب‌های اهل هند تکیه کرده و اشتباهات آن منابع به این کتاب نیز سرایت کرده است. این اشتباهات در کتاب‌های اعیان شیعه، روضات الجنات و ریاض العلماء نیز مشاهده می‌شود.

۵. تألیفات شیعه در شبه قاره هند (انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴)

در این کتاب توسط شهسوار امروهوی، مصنفین هند، پاکستان و بنگال به زبان اردو جمع‌آوری شده است. در این کتاب در طبقه‌بندی آثار از جهت زبان و موضوع اشتباهاتی رخ داده است.

۶. مطلع انوار (مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد)

سید مرتضی حسین فاضل سعی کرده است در این کتاب که به صورت الفبایی تنظیم شده، اشتباهات و نواقص منابع گذشته را جبران کند و تا حد زیادی نیز در آن موفق بوده است ولی باز هم اشتباهاتی دیده می‌شود.

علاوه بر این منابع کتاب‌های دیگری نیز در این موضوع نگاشته شده است.

- بر صغیر کی امامیه مصنفین، سید حسین عارف نقوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۹۷م.

- تاریخ شیراز هند، اقبال احمد جونپوری، جونپور، مطبع نامی پریس لکنهو، ۱۹۶۳م.

- معرفة العلماء، نواب احمد حسین خان، مطبع نای پریس کانپور، ۱۹۹۱م.

- تذکره علمای هند، رحمان علی، مطبع نولکشور لکنهو، ۱۹۹۴م.

- تذکره علمای هند، علاء الدین حیدر، خطی، موجود در کتابخانه امام صادق (ع) احمدآباد.

- تاریخ فرشته، محمد قاسم فرشته، ترجمه عبدالحی خواجه ام. ای. لاهور، غلام

علی پرنتر.

۱۱۷ - نجوم السماء، علی میرزا محمد، مطبع نظامی پریس لکنهو، ۱۳۲۸ق (کتابخانه آیت

الله مرعشی نجفی نیز این کتاب را چاپ کرده است.)

آشنایی اجمالی با علمای شیعه در هند

شیعیان هند در دوره‌های مختلف بروزات گوناگونی داشته‌اند. مثلاً در صدر اسلام و یا ادوار خود ائمه، افرادی از اصحاب امام صادق (ع) وجود داشتند که هندی و یا سندی بودند.

اما تقریباً از قرن سوم، چهارم هجری یک جامعه شیعی در هند شکل می‌گیرد که از استقلال و هویت و تشکیلات اجتماعی و حتی قدرت نیز برخوردار است. این گروه اجتماعی از قرن هفتم، هشتم به اجتماعات قابل توجهی می‌رسند و از قرن نهم به حکومت نیز دست می‌یابند. این زمینه قدرت سیاسی نقش بسیار زیادی در رواج علمی شیعیان در هند داشت.

این قدرت اجتماعی، سیاسی و علمی شیعیان در هند تا زمان حمله انگلیس به هند ادامه داشت. در این زمان شیعیان از قدرت‌های اصلی در مقابل استعمار بودند. پس از اینکه انگلیس متوجه این قدرت شد برای حذف و مهار آن از هند بسیار کوشید. از این پس دوران افول شیعیان در هند آغاز می‌شود. پس از استقلال نیز تصویب قانون اساسی سکولار زمینه را برای فعالیت شیعیان محدود کرد.^۱

در این بخش ابتدا مروری اجمالی بر شخصیت‌های علمی شیعه هند از ابتدا تا قرن دهم خواهیم داشت و سپس علمای شیعه را از قرن یازدهم بررسی می‌کنیم.

۱. **ابان بن محمد البراز (السندی، الکوفی):** صاحب اعیان الشیعه درباره ایشان می‌گوید: «قاضی ابو عبدالله جعفری خیر داده است که احمد قلائسی در کتاب نوادر از ابان تعریف کرده که و ثقه و وجیه اصحاب بود.»^۲ نجاشی او را از علمای شیعه شمرده است.^۳ آقای خوئی در معجم الرجال اقوال علما را ذکر می‌کند و می‌گوید روایات ابان

۱. ر. ک: اسلام در هند، محمدرضا موحدی، ص ۱۵۹-۱۶۷، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۰.

۲. اعیان الشیعه، حسن امین عاملی، ج ۲، ص ۱۰؛ رجال السند و الهند، قاضی محمد اطهر مبارک پوری، ص ۱۱۲.

۳. رجال، ابوالعباس النجاشی، ج ۱، ص ۸۲، مؤسسه انتشارات سلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ هـ.

ق، ۱۳۷۶ ش.

در کتب رجال به عنوان سندی بن محمد آمده است.^۱

۲. **ابراهیم بن سندی الکوفی:** ایشان از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌باشد^۲ ولی شیخ طوسی ایشان را مجهول الحال معرفی می‌کند.^۳ آقای خویی پانزده روایت از ایشان در کتب شیعی بیان می‌کند.^۴

۳. **اسباط بن سالم بیاع الزطی:** ایشان از راویان حدیث در قرن دوم و از شاگردان امام صادق علیه السلام می‌باشد و کتاب نوادر داشته است.^۵ آقای خویی بیش از ۱۵ روایت از ایشان نقل می‌کند.^۶

۴. **خلاد سندی:** ایشان از یاران امام صادق علیه السلام و صاحب کتاب بوده^۷ که علامه مجلسی کتاب او را با عنوان «اصل خلاد» از منابع بحار معرفی می‌کند.^۸

۵. **نجیح بن عبدالرحمان ابومعشر سندی:** شیخ طوسی ایشان را از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌داند^۹ که از بزرگان روایت نقل کرده است.^{۱۰} روایتی از ایشان در اصول کافی آمده است.^{۱۱}

افزون بر این بزرگان می‌توان از «هیشم ابن عبدالله هندی» نیز نام برد که از اصحاب امام صادق علیه السلام بودند.^{۱۲}

۱. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. اعیان الشیعه، سید محسن الامین، ج ۲، ص ۱۴۳، مطبع الاصفاف، بیروت، ۱۳۷۰ق، ۱۹۵۱م.

۳. رجال، محمد بن حسن طوسی، ص ۱۴۴، مؤسسه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۴. معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۵. رجال، احمد بن علی بن عباس الاسدی الکوفی، ج ۱، ص ۲۶۶.

۶. معجم رجال الحدیث، ابوالقاسم خویی، ج ۳، ص ۱۸۵.

۷. رجال، احمد بن علی بن احمد بن عباس الاسدی الکوفی، ج ۱، ص ۳۱۰؛ رجال، محمد بن حسن طوسی، ص ۱۸۷.

۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۴۵.

۹. رجال، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ص ۳۲۵.

۱۰. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، ج ۹، ص ۱۲۹.

۱۱. کافی، ج ۴، باب مایلبس المحرم من الثیاب و ما یکره له لباسه، ص ۳۴۳.

۱۲. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۴۸۹؛ رجال شیخ طوسی، ص ۱۴۸.

پس از قرن اول و دوم نیز در قرن هشتم و نهم نیز فقها و محدثان شیعه در هند بودند؛ مانند علی امیر کبیر همدانی کشمیری^۱ ۷۸۶-۷۱۳ق (۱۳۸۵-۱۳۱۳م) و سید حیدر قلندر موسوی صفوی^۲. حسن بن علی (شادقم) مدنی (۹۹۹-۹۴۲ق / ۱۵۹۰-۱۵۳۵م) محدث بزرگ شبه‌قاره بود و علاوه بر تفسیر و فقه و عقاید در ادب هم تبحر داشت.^۳

۱. علمای شیعه در هند در قرن یازدهم

۱-۱- قاضی نور الله شوشتری^۴ (۱۰۱۹-۹۶۵ق / ۱۶۱۰-۱۵۴۹م)

ایشان از نسل امام سجاد علیه السلام^۵ و اهل شوشتر خوزستان است. تحصیلات خود را در حوزه علمیه مشهد تکمیل کرد و در سال ۹۹۳ق به هند رفت و در آنجا به شهرت علمی رسید.

درباره کمالات او گفته شده «از اعظام علمای نامی دین مقدس اسلامی عهد صفویه که فقیه، اصولی، محدث، رجالی، ادیب، ریاضی، معقولی، منقولی، متکلم، جدلی، شاعر ماهر و با کمالات صوری و معنوی و نفسانی روحانی معروف بوده است»^۶.
 شیخ حر عاملی ایشان را «عالم، فاضل و علامه محدث»^۷ و شیخ عباس قمی ایشان را فاضل کامل، محدث، متکلم و عالم فهامه توصیف کرده است.^۸
 در هند به وسیله حکیم ابوالفتح به دربار پادشاهی راه یافت. او که در تقیه به سر

۱. دانشنامه شیعیان کشمیر، سید محسن کشمیری، ج ۱.

۲. همان.

۳. مطلع الانوار، سید مرتضی حسین صدر الافاضل، ص ۲۰۶.

۴. الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۲، ص ۶۵۸، جزء پنجم، رقم ۷۳۰؛ رقم ۱۰۳۷؛ فوائد الرضویه، ص ۶۹۷؛ طبقات اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، ج ۵، ص ۶۲۲؛ مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم؛ گلشن ابرار، ج

۱، ص ۱۸۵؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۱، ص ۳۶۶، رقم ۳۵۶۴؛ شیعه در هند، ج ۱، صص ۵۳۵-۵۹۱.

۵. نجوم الاسماء، ص ۱۰، بحواله مجالس المؤمنین، چاپ اسلامی، ج ۱، ص ۵۱۹.

۶. ریحانه الادب، محمد علی مدرس، ج ۲، ص ۴۳۶، خیام، بی تا.

۷. امل الآمل، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۸. فوائد الرضویه، ص ۶۹۶.

می‌برد، مورد اعتماد حاکم (اکبرشاه) قرار گرفت و به منصب قاضی القضاات رسید. ایشان علاوه بر قضاوت، دروس تفسیر، فقه و حدیث و عقاید امامیه را هم تدریس می‌کرد و به تبلیغ نیز می‌پرداخت.^۱ ایشان در شهرهای لاهور و آگره از مذهب امامیه با استقامت تمام دفاع کرد و سلطه سیاسی و علمی علیه شیعه در این مناطق را شکست.^۲ در حالی که یاران و همراهانی همچون ابوالفتح گیلانی و ملا محمد تهرتوی و اکبرشاه نورالله شوشتری را ترک کرده و از دنیا رفته بودند، او در دفاع از حریم شیعه کتاب احقاق الحق را نوشت.^۳ علمای سنی از روی حسد و کینه‌توزی، رای پادشاه جهانگیر را در قتل قاضی نورالله شوشتری گرفتند و ایشان را به طرز فجیعی در ۲۶ ربیع الاول ۱۰۱۹ق به قتل رساندند.^۴ علامه شوشتری زندگی پر بار علمی داشت و از خود بیش از صد عنوان کتاب به جا گذاشت^۵ که در موضوعات مختلف می‌باشد: تفسیر (۲ عنوان)، فقه (۱۶ عنوان)، اصول فقه (۳ عنوان)، حدیث و اذکار (۳ عنوان)، کلام و ردود^۶ (۴۱ مورد)، منطق (۴ مورد)، فلسفه (۱۱ مورد)، ریاضی (۲ مورد)، تاریخ و رجال (۴ مورد)، صرف و نحو (۳ مورد)، معانی بیان (۱ مورد)، ادب (۷ مورد) و ادعیه (۲ مورد). قاضی نورالله شوشتری در تقیه به سر می‌برد و از طرف دیگر بر مبانی فقهی و کلامی فرقه‌های مختلف اسلامی مسلط بود. افزون بر این آوازه و زهد و پارسایی ایشان

۱. مطلع الانوار، سید مرتضی حسین نقوی، ترجمه دکتر محمد هاشم، ص ۶۹۵، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد.

۲. ر. ک: مطلع الانوار، ص ۵۴.

۳. تذکره مجید در احوال شهید، سید سبط حسن حسنی، ص ۳۵، ناشر مزار اقدس شهید ثالث، شماره ۱، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.

۴. مطلع الانوار، ص ۶۹۷.

۵. تذکره مجید در احوال شهید، ص ۹۲.

۶. در بین این کتاب‌ها دو کتاب احقاق الحق و مصائب النواصب بسیار معروف و مورد نظر علما و بزرگان شیعه بوده است. (ر. ک: فوائد الرضویه، ص ۶۹۶؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲؛ الذریعه، ج ۱، ص ۲۸۹؛ نجوم اسماء، ص ۱۵؛ شیعه در هند، ص ۵۹۲).

طلاب فرّ ق گوناگون را به پای درس می‌کشاند.^۱ از این رو شاگردان ایشان چندان مشخص نشدند. ولی سه نفر از آنها عبارتند از: علامه شیخ محمد هرّوی خراسانی، علامه مولا محمد علی کشمیری و سید جمال الدین عبدالله مشهدی.

سید شرف الدین موسوی (۱۰۲۰-۹۹۰ق) فرزند قاضی نور الله شوشتری بود که پس از اتمام تحصیل در ایران، در هند به تبلیغ تشیع می‌پرداخت. از ایشان نیز آثار علمی زیاد به جا مانده است. مزار ایشان در کنار پدرش در اکبرآباد است.

فرزند دیگر ایشان ابوالمعالی (۱۰۶۶-۱۰۰۴ق / ۱۶۳۵-۱۵۹۵م) است.^۲ که علوم اسلامی را نزد پدرش فرا گرفت. او را با اوصافی همچون فاضل، عالم، حکیم، متکلم و ماهر معرفی کرده‌اند.^۳ گفته شده که مدتی در خدمت سلطان محمد قطب شاه بوده و تصانیف متعدد از ایشان نقل شده است. در ۱۴۰۶ ق در بنگال وفات کرد.^۴

۲-۱- ملا علی رضا شیرازی

ملا علی رضا شیرازی بن ملا کمال الدین اردکانی پس از نور الله شوشتری از علما و فقهای مسلم در شبه قاره هند است. ایشان شاگرد بزرگ‌ترین فقیه آن زمان، آیت الله سید حسین خوانساری و اجازه یافته وی بود. در سال یازدهم جلوس شاه جهان وارد هند شد و مورد استقبال گرم شاه جهان قرار گرفت. تمام امرا و ارکان سلطنت به او احترام می‌گذاشتند. ایشان مجالس علمی با حضور علما تشکیل می‌داد. سرانجام در حالی که کتاب‌های متعددی از جمله تفسیر قرآن به نام زینت تفاسیر (به زبان فارسی) از خود به جا گذاشته بود در سال ۱۰۱۸ درگذشت.^۵

۱. ر. ک: احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، ص ۱۵۸، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
 ۲. الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۲، ص ۴۷۴ (جزء پنجم)؛ صبح گلشن، سید علی حسن حسینی خان بهادر، ص ۱۳، کلکته، ۱۲۹۵هـ؛ تکمله نجوم السماء، ج ۲، ص ۹۲؛ مستدرکات اعیان الشیعه، حسن الامین، ج ۵، ص ۶۸؛ دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ق، ۱۹۸۹م.

۳. نجوم السماء، ص ۹۳.

۴. اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، ج ۵، ص ۵۷۰؛ مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۱ق /

۱۹۹۰م؛ مطلع انوار، ص ۸۱

۵. ر. ک: مطلع انوار، ص ۳۹۱.

۱-۳- محمد بن علی ابن خاتون (۱۰۵-۹۸۰ق)

علامه شیخ محمد بن علی از اهالی جبل عامل (جنوب لبنان) بود. خاندان وی به آل ابن خاتون معروف بودند که در دکن (هند) برای ترویج علوم دینی و اشاعه اخلاق و شریعت کوشش‌های فراوانی از خود نشان دادند و مدارج عالی را طی کردند. علامه شیخ محمد بن علی در ایران متولد شد و در محضر شیخ بهایی تلمذ کرد. در عهد سلطان قلی محمد شاه به هند آمد و به مناصب مهم حکومتی رسید و از این موقعیت برای گسترش دین و شریعت استفاده کرد. علامه حر عاملی ایشان با القابی مانند عالم، فاضل، ماهر و محقق و ادیب توصیف می‌کند.^۱

۱-۴- سید محمد مؤمن حسینی استرآبادی (۱۰۳۴-۹۶۰ق / ۱۶۲۴-۱۵۵۲م)

سید محمد مؤمن حسینی استرآبادی از خانواده‌ای شریف و اهل علم بود. شیخ حر عاملی ایشان را عالم، فقیه و محدث توصیف کرده است.^۲ او در علوم معقول و منقول متبحر و عالمی زاهد بود.^۳

ایشان در ۹۸۹ق به دکن حیدرآباد وارد شد و محفل درس را ایجاد کرد. ولی در امور حکومتی نیز از او بهره برده می‌شد و مقام وکیل السلطنه برای او در نظر گرفته شده بود. فعالیت‌های سیاسی (حکومتی) ایشان در کنار فعالیت‌های علمی (تدریس علوم اسلامی) و فعالیت‌های فرهنگی مانند خرید املاک و وقف آنها برای مؤمنین سبب گسترش فرهنگ اسلامی در حیدرآباد و ایجاد مقبولیت برای ایشان نزد عموم حتی هندوان شد.^۴

۱-۵- عبدالله مجلسی

عبدالله فرزند محمد تقی و برادر محمد باقر مجلسی است. او پس از کسب علم از

۱. مطلع انوار، ص ۴۹۸؛ اعیان الشعیه، ج ۹، ص ۱۲۰.

۲. امل الأمل، محمد بن حسن حر عاملی، ج ۲، ص ۲۹۶، دارالکتاب الاسلامی، مطبوعه نمو، دارالکتب الاسلامی، قم.

۳. نجوم السماء، محمد علی آزاد کشمیری، ص ۸۳، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.

۴. مطلع انوار، ص ۶۱۵.

محضر پدرش از اصفهان به هندوستان رفت و در آنجا همچون فقیهی امامی و محدث به سر می‌برد. او با برادرش (محمدباقر) ارتباط علمی و مکاتبه داشت. ملامحمد باقر پاسخ سؤالات او را تحت عنوان اسئلة الهندیه می‌نوشت.^۱

فرزندان ملا محمد تقی مجلسی به جز ملا محمدباقر، به هندوستان رفتند و آنجا وعظ و نصیحت و تبلیغ دین ناب محمدی پرداختند و مورد احترام عوام و خواص بودند.

۶-۱- محمد مؤمن شیرازی (۱۱۱۸-۱۰۷۴ق)

علامه محدث، مفسر، حکیم، ادیب و شاعر محمد مؤمن بن محمد قاسم بن ناصر جزائری شیرازی هندی از علما و عرفا، سیاحان و مبلغان بزرگ بود. او تمام علوم مروجه عقلیه و نقلیه را نزد علمای بزرگ عراق و عجم فرا گرفت و به هندوستان آمد. تصانیف او را تا ۲۱ عنوان ذکر کرده‌اند.^۲

۷-۱- مراد کشمیری

ملا مراد در خاندان علم و دانش به دنیا آمد و نوه زاهد و عالم ممتاز شیخ احمد بود.^۳ او از شاگردان شیخ حر عاملی بود^۴ و در حدیث و فقه شهرت داشت.^۵ ایشان در سال ۱۱۲۰ق از دنیا رحلت کردند.

۸-۱- میر محمد مؤمن (۱۰۳۴-۹۶۰ق / ۱۶۲۴-۱۵۵۲م)

ایشان در ۹۸۹ق از ایران به گلگنده هند آمد و از طرف سلطان قلی قطب شاه، به منصب پیشوا منصوب شد. ایشان اقدامات علمی و فرهنگی زیادی انجام داد و در بنا کردن شهر حیدرآباد و کشیدن نقشه یک شهر مذهبی مانند مشهد دست داشت. تلاش‌های وی در توسعه شیعه در هند مؤثر بود.^۶

۱. مطلع انوار، ص ۳۵۴، نجوم السماء، ص ۱۳۶، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۷۰؛ فوائد الرضویه، ص ۲۵۵.

۲. مطلع انوار، صص ۶۲۱-۶۲۰.

۳. اعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۲، ص ۸۳۶، جزء ششم، رقم ۶۶۰.

۴. نجوم السماء، ص ۲۴۷.

۵. مطلع انوار، ص ۶۳۸.

۶. مطلع انوار، سید مرتضی حسین، صدر الافاضل، ص ۶۱۴.

۹-۱- احمد الشیخ مهذب الدین

شیخ مهذب الدین احمد بن عبدالرضا شاگرد شیخ حر عاملی بود. ایشان عالمی اخلاقی و در ریاضیات، نجوم، فقه، اصول، حدیث، درایت و معانی بیان مهارت داشت.^۱

۲- علمای شیعه در هند در قرن دوازدهم

۲-۱- محمد علی حزین ۲ (۱۱۸۰-۱۱۰۳ق)

ایشان در اصفهان متولد شد و تا ۴۳ سالگی در ایران بود.^۳ با توجه به استعداد سرشاری که داشت علوم عقلی و نقلی را با دقت و سرعت نزد اساتید فرا گرفت. او سفرهای متعدد و طولانی در ایران (لاهیجان، قم، مشهد، شیراز، همدان، قزوین، بیضا، اردکان، فسا، کازرون، شولستان، جهرم، یزد، لار و بندرعباس)، حوزه خلیج فارس (عمان، مسقط، بحرین، یمن و حجاز)، عراق (بغداد، کاظمین، کربلا، نجف، سامرا، بصره و کوفه) داشت. ایشان در سال ۱۱۴۶ به دهلی رفت و در شهرهای خداآباد، بهکر، ملتان، آگره، لاهور، لکهنو و سرانجام بنارس توقف داشت.^۴

وی به علوم مختلف تسلط داشت یعنی مفسر، محدث، فقیه، متکلم، عارف، حکیم، مهندس و منسجم بود و در زمینه‌های تاریخ، رجال، درایه، حیوان‌شناسی، گیاه‌شناسی، رمل و جفر کتاب‌ها نوشت و چهار دیوان شامل مثنوی‌های متعدد سرود.

در حالی که بیش از دویست عنوان کتاب از خود به جای گذاشته بود،^۵ در سال

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۴۳۳؛ مطلع انوار، ص ۹۰.

۲. نجوم السماء، ص ۳۰۶؛ الذریعه، ج ۹، ص ۲۳۵، رقم ۱۴۶۳؛ اعلام الشیعه، ص ۵۱۵.

۳. از طرف مقام معظم رهبری برای بزرگداشت شخصیت وی کنگره‌ای در ۱۶ و ۱۵ شهریور ۱۳۷۵ در لاهیجان برگزار شد.

۴. ر. ک: تاریخ و سفرنامه حزین، محمد علی حزین، تحقیق و تصحیح علی داوانی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.

۵. الذریعه، ج ۱۱، ص ۲۴۸، رقم ۱۵۱۸؛ ج ۱۳، ص ۳۲، رقم ۱۰۷؛ ج ۴، ص ۳۴۹، رقم ۱۵۳۶، و ص ۳۸، رقم

۱۳۸؛ ج ۱، ص ۵۳۱، رقم ۲۵۹۲؛ ج ۱۱، ص ۹۷، رقم ۵۹۶؛ ج ۳، ص ۳۵۶، رقم ۱۲۸۲؛ ج ۵، ص ۲۳، رقم ۱۰۷؛

ج ۱۴، ص ۸، رقم ۱۵۰۵.

۱۱۸۰ یا ۱۱۸۱ در بنارس درگذشت. دسته‌های عزاداری محرم با حضور هندوها و اهل سنت و شیعیان بر مزار او حاضر می‌شوند. با تأسیس مدرسه جوادیه به وسیله مولانا محمد سجاد شمع حزین فروزان‌تر شده است.^۱

۲-۲- محمد حسن تاج الدین اصفهانی (فاضل هندی) (۱۱۳۷-۱۰۶۲ق / ۱۷۲۵-۱۶۵۲م)

محمد حسن تاج الدین اصفهانی ملقب به بهاء الدین و مشتهر به فاضل هندی، علوم منقول و معقول را تا قبل از ۱۳ سالگی نزد پدرش فرا گرفت در حالی که تا این هنگام بیش از ده کتاب (شرح و حاشیه) نوشته بود.^۳

او شاگرد خاص علامه مجلسی بود که همراه پدرش به هندوستان آمد و شاگردانی مانند سید محمد علی کشمیری تربیت کرد. تصانیف ایشان را برخی ۵۰^۴ و برخی ۱۰۰^۵ کتاب بیان کرده‌اند.

۲-۳- علامه حکیم میرزا محمد ۶ (۱۲۳۵-۱۱۵۰ق / ۱۸۱۹-۱۷۳۸)

علامه حکیم میرزا محمد بن عنایت احمد خان در دهلی به دنیا آمد و علوم دینی را در هند فرا گرفت. او که هم‌دوره سید دلدار علی و جامع علوم معقول و منقول بود، از علامه محمد حسن (نوه شهید ثانی) استفاده برد.^۷ او فقیه، متکلم و محدث بود. افزون بر این طیبی حاذق و شاعری زبردست بود.^۸

۱. مطلع انوار، ص ۱۹۳.

۲. اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۸۷؛ ج ۹، ص ۱۳۸؛ طبقات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۷۶؛ نجوم السماء، ص ۲۳۱؛ مطلع انوار، ص ۴۹۴.

۳. قصص العلماء، ص ۳۱۳؛ کشف اللثام، ج ۱، ص ۱۱۳.

۴. کشف اللثام، ج ۱، ص ۴۶.

۵. فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، شیخ عباس قمی، ص ۴۷۸، انتشارات مرکزی، ۱۳۲۷ش.

۶. الذریعه، ج ۲۴، ص ۱۰۸، رقم ۵۷۰ و ص ۳۹۹ رقم ۲۱۲۹؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳؛ موسوعه طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۴۹۷؛ الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۳، جزء هفتم، ص ۱۰۸۴، رقم ۷۷۷؛ ریحانه الادب، ج ۴، ص ۱۷۹.

۷. مطلع انوار، ص ۴۷۹.

۸. فوائد الرضویه، ص ۵۹۸؛ نجوم السماء، ص ۳۷۶-۳۷۵.

ایشان در دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام بر بسیاری از کتاب‌های اهل سنت حاشیه و تعلیقه زده است. در همین مسیر در سال ۱۲۳۵ق در دهلی به شهادت رسید.

۴-۲- احمد بن (سلام) سلامه الجزائری (۱۱۲۵ق - ۱۷۱۲م)

شیخ حر عاملی در مورد او می‌گوید: «از علماء و فضلاء روزگار خود بوده‌اند و از باعث ذهانت و فقاہت خویش در حیدرآباد بر عهده قضاوت فاخر بود. درباره وی نظرهای علمای اعلام و ذوالاحترام این گونه می‌باشد که او عالم، فاضل و فقیه و صالح و عالم با عمل بود در روزگارش و نظیر نداشت. ملا احمد موصوف، فاضل و صالح و فقیه و معاصر من است و در حیدرآباد دکن در هند به عهده قضا اقامت دارد.»^۱

در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء نیز او فاضل، صالح و فقیه وصف شده است.^۲

۵-۲- سید نعمت الله (سید آغایی) (متوفی ۱۱۵۱ق - ۱۷۳۸م)

سید نعمت الله جزائری معروف به سید آغایی از فرزندان نور الدین بن نعمت الله جزائری بوده است و در علوم هندسه، حساب، فلسفه و شعر تبحر داشته است.^۳ در جوانی از شوشتر برای تحصیل و تکمیل علوم ریاضی و هندسی به طرف عراق و خراسان سفر کرد و بعد از تکمیل و فراغت به هند رفت و در درگاه محمد شاه جاه و مقامی عالی یافت و از ارکان اصلی در تنظیم «زیج محمد شاهی» بود.^۴

۶-۲- محمد عوض (عیوض) جونپوری^۵

محمد عوض جونپوری که نسبش به حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام می‌رسد، از

۱. امل الآمال، ج ۲، ص ۱۵.

۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۱، ص ۳۹.

۳. تذکره علماء الامامیه، سید عارف حسین نقوی، ص ۳۸۰، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد؛ نجوم السماء، ص ۲۷۹؛ تحفه العالم در ذیل التحفه، میر عبداللطیف خان شوشتری، ص ۱۱۷، به اهتمام صمد موحد، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.

۴. مطلع انوار، ص ۶۸۲؛ نجوم السماء، ص ۲۸۰؛ طبقات اعلام الشیعه، ص ۷۸۰.

۵. ر. ک: مطلع انوار، ص ۵۷۵؛ الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، عبد الحی بن فخر الدین حسینی ترمذی، ج ۳، جزء هفتم، ص ۱۱۰۲، رقم ۸۶۴، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م.

هوش سرشاری برخوردار بود. او کتاب‌های درسی را با دقت مطالعه می‌کرد و می‌آموخت و در تدریس دروس توانا بود و بیانی شیوا داشت. او که اهل سیر و سلوک و زهد بود در سال ۱۲۰۰ق درگذشت.

۷-۲- ملا محمد علی پادشاه کشمیری فیض آبادی (متوفی ۱۲۲۴هـ)

ملا محمد علی عالم دینی، فقیه کامل، مدرس، واعظ و خطیب بود. ^۱ ایشان از شاگردان ملا عبدالکریم بود که از افاضل کشمیر است. ^۲
ملا محمد علی در عهد شجاع الدوله آصف الدوله در فیض آباد مرجعیت داشت. ایشان بانی جمعه و جماعات در این شهر بود. ^۳

۸-۲- سید حسین موسوی

علامه سید حسین موسوی معروف به آقا حسین در خانواده معروف کشمیر در قریه دولت‌پور سرنیگر به دنیا آمد. بعد از اتمام مقدمات برای تحصیل علم به شهرهای معروف علمی مانند قم، اصفهان، نجف، سامرا و کاظمین مسافرت کرد و از اساتید برجسته مانند شیخ یوسف بحرانی استفاده علمی برد و اجازه‌های اجتهاد گرفت. ایشان تألیفات متعددی دارند از جمله کتاب «موده القربی» در موضوع حدیث. ^۴

۹-۲- بدیع الزمان مرشد آبادی ۱۱۹۵-۱۱۱۵ق / ۱۷۸۱-۱۷۰۳م

بدیع الزمان مرشد آبادی عالم، فاضل و زاهدی بود که استاد فقه و حدیث و تفسیر بود و به علوم عقلی علاقه چندانی نداشت. ^۵

۱. نجوم السماء، ص ۳۷۵؛ الذریعه، ج ۲۳، ص ۲۴۴.

۲. مطلع انوار، صص ۳۶۶-۳۶۷.

۳. نزهة الخواطر، عبدالحمی حسینی ترمذی، ج ۷، ص ۱۱۰۱، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.

۴. دانشنامه شیعیان کشمیر، سید محسن حسینی کشمیری، ج ۱، ص ۱۵۱، مؤسسه مرکز احیای آثار بر صغیر مآب، شعبه کراچی، ۲۰۱۱.

۵. مطلع انوار، ص ۱۴۲.

۳- علمای شیعه در قرن سیزدهم

۱-۳- سید دلدار علی (۱۲۳۵-۱۱۶۶ق / ۱۸۲۰-۱۷۵۳م)

سید دلدار علی بن محمد معین رضوی نقوی، فیلسوف و فقیه مجتهد زمان خود بود. او اولین کسی است که در هندوستان به اجتهاد رسید و اموری مانند نماز جمعه و اشاعه دین را طرح‌ریزی کرد.

صاحب جواهر با احترام زیاد از مقام علمی و معنوی او یاد می‌کند.^۳ او پس از کسب علوم عقلی به عتبات عالیات رفت و از محضر علمایی چون محمدباقر بهبانی و سید علی طباطبایی (صاحب ریاض) کسب فیض کرد و پس از کسب اجازات و مدارک عالی به مشهد و سپس به قم آمد و در سال ۱۲۰۰ به لکهنو بازگشت.^۴

علامه دلدار علی نقوی کتاب‌های زیادی در موضوعات فقه، کلام، حدیث و ادعیه نوشت. بیش از ۳۰ اثر از ایشان نقل شده است^۵ که از بین آنها دو کتاب «اساس الاصول» و «مواعظ حسینه» مورد توجه علمای نجف قرار گرفت.^۶ کتاب مهم دیگر ایشان مرآة العقول است که در پنج جلد (دو هزار صفحه) عقاید شیعه را تبیین کرده است. ایشان در تألیف کتب به تقویت و تبیین اصول شیعه و پاسخ به شبهات توجه داشتند. لذا کتاب‌هایی در رد اخباری‌گری، سلفی‌گری و صوفی‌گری نگاشتند.

سید علی دلدار نقوی به فعالیت‌های اجتماعی مانند قضاوت، توجه به مدارس،

۱. الفوائد الرضویه، ص ۱۷۷؛ اعیان الشیعه، ج ۶، ۴۲۵؛ موسوعه طبقات الفقهاء، گروهی از نویسندگان، ج ۱۳، ص ۲۶۵.

موسسه امام صادق، ۱۴۲۰ق؛ طبقات اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۵۱۹، دار المرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق.

۲. البته در همان زمان مجتهدین دیگری نیز در هند بودند مانند علامه حکیم میرزا محمد و همچنین ملاعلی پادشاه کشمیری فیض‌آبادی.

۳. اختران تابناک یا کشف الکواکب، ذبیح الله محلاتی، ج ۱، ص ۲۳۲، انتشارات کتابفروشی اسلامیة تهران، ۱۳۶۱؛ ریحانة الادب، ج ۶، ص ۲۳۱.

۴. نجوم السماء، ص ۳۷۰.

۵. فوائد رضویه، ص ۱۷۷؛ نجوم السماء، صص ۳۷۴-۳۷۳؛ مطلع انوار، ص ۳۷۰.

۶. ورثة الانبیاء، صاحب حمایت الاسلام هندی، صص ۱۱-۱۲، مطبع تصویر عالم، لکهنو، ۱۳۳۶ق.

مساجد و طلاب، تعیین امام جماعت برای مساجد، عزاداری^۱ و اتحاد شیعه و سنی توجه ویژه داشت. او با تربیت فرزندان عالم^۲ شاگردان فراوان و برجسته، لکنهو را چندین قرن به مرکز علم و حکمت تبدیل کرد.^۳ از این جهت ایشان نقش زیادی در تثبیت، تقویت و ترویج شیعه در هند دارند.^۴

۲-۳- سید محمد بن دلدار علی (۱۲۸۴-۱۱۹۹ق / ۱۸۷۷-۱۷۹۴م)

سید محمد بن سید دلدار علی و معروف به سلطان العلماء در لکنهو به دنیا آمد و پدرش شخصاً به تعلیم او پرداخت و در تفسیر، حدیث، اصول فقه، کلام، منطق، فلسفه، ریاضی و هیئت به کمال رسید.^۵ در سن ۱۹ سالگی به درجه اجتهاد دست یافت.^۶ شیخ عباس قمی او را «علامه متبحر فهامه» توصیف کرده است.^۷

ایشان علاوه بر ابعاد علمی، در امور فرهنگی و اجتماعی نیز فعال بود. ایشان نظام شرعی را اجرا می‌کرد و با مظاهر بی‌دینی مقابله می‌کرد. ادارات خمس و زکات را تأسیس و محیط اخوت و برادری را به وجود آورد و مراکز فساد را از بین برد. بر اثر تلاش‌های او کمک‌های مالی زیادی به مکه، مدینه، نجف، کربلا و مشهد فرستاده شد. افزون برای

۱. ایشان برای اولین بار در هند هر روز از دهه اول محرم را یکی از شهدای کربلا اختصاص داد. همچنین در مجالس عزاداری، قبل از نوحه‌سرایی و سینه‌زنی، ایراد سخنرانی را رایج کرد که بهترین وسیله ترویج آموزه‌های دینی در شبه قاره بود. همچنین ایشان دستور داد بر فراض منابر از روی کتاب‌های معتبر مقلت خوانده شود. ایشان بدین منظور دو کتاب متقل نگاشتند: ۱. ضیاء الابصار (اردو)، ۲. آثار الاحزان علی القتیل العطشان (عربی).

۲. ایشان پنج پسر داشتند که همگی از علما و مجتهدین هند هستند: سید محمد (سلطان العلماء)، سید علی، سید حسن، سید مهدی، سید حسین (سید العلماء)، شرح حال این بزرگواران در ادامه خواهد آمد.

۳. مطلع انوار، صص ۲۵۳-۲۵۲.

۴. مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه (۱۳۸۹، قم) کتاب ورثة الانبياء نوشته احمد نقوی لکهنوی (معروف به علامه هندی)، را به همراه بخشی از کتاب «تذکره العلماء المحققین فی آثار الفقها و المحدثین» نوشته مهدی بن نجف علی حسینی رضوی عظیم آبادی را با تصحیح علی فاضلی چاپ کرده است. این کتاب در بیان زندگی سید دلدار علی نقوی و پنج تن از فرزندان آن بزرگوار است.

۵. نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۱۰۸۲.

۶. تکمله نجوم السماء، ص ۱۵۶.

۷. فوائد الرضویه، ص ۵۳۲.

مساجد، مدارس، مسافرخانه‌هایی ساخته و تعمیر شدند و اوقات نیز تأسیس شد.^۱ ایشان با علمای عراق مانند صاحب جواهر، ارتباط علمی داشت.^۲ نفوذ و مقبولیت اجتماعی ایشان در حدی بود که علمای سنی در دادگستری به کار گرفت و برای هندوان نیز رهبر مذهبی تعیین می‌کرد و علمای شیعه و سنی با او محبت داشتند.^۳ در مراسم تاج‌پوشی شاهان اوده، سلطان العلماء بر سر آنها تاج می‌گذاشت و تمام امور شرعی و مذهبی با مشورت وی انجام می‌شد.^۴ آثار و تألیفات زیادی از ایشان به یادگار مانده است.^۵

۳-۳- محمد قلی موسوی لکنهوی (۱۲۶۰-۱۱۸۱ق)

محمد قلی از شاگردان به نام سید دلدار علی بود. آغا بزرگ تهرانی او را از بزرگ‌ترین مفسرین و متکلمین دانسته است.^۶ علامه امینی نیز ایشان و فرزندش (میر حامد حسین، صاحب عبقات الانوار) را از شمشیرهای کشیده شده بر دشمنان خدا و پرچم پیروزی دین معرفی می‌کند.^۷ در دوره ایشان بر اثر تلاش‌های استعمارگران، اهل سنت آثار تفرقه‌انگیزی را در رد تشیع می‌نگاشتند؛ مانند ازاله الخفاء عن خلافة الخلفاء (ولی الله دهلوی) و تحفه اثنا عشریه (عبدالعزیز دهلوی). سید محمد قلی موسوی کتاب الاجناد الاثنا عشریه المحمدیه فی رد التحفه الاثنا عشریه الدهلویه» و فرزندش (میر حامد حسین) کتاب «عبقات الانوار فی مناقب الاثمه الاطهار» را در پاسخ نگاشتند.^۸

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۱. تکمله نجوم السماء، ص ۲۷۲.
۲. اختران تابناک، ص ۴۰۵.
۳. مطلع انوار، صص ۴۸۳-۴۸۲.
۴. رود کوثر، محمد اکرم، ص ۶۳۴، مطبع مکتبه جدید پریس، لاهور، ۱۹۵۷ سوم.
۵. کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، صص ۸۸، ۳۷۹ و ۴۰۲، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق؛ تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۱۳۷، ۲۲۳، ۴۲۷، ۴۲۹ و ۴۳۲.
۶. طبقات اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، قسم الثالث، صص ۲۵۴-۲۵۵.
۷. الغدیر، علامه امینی، ج ۱، صص ۱۵۷-۱۵۶.
۸. الذریعه، ج ۴، صص ۱۹۳-۱۹۲.

علامه محمد قلی موسوی فقه و اصول و حدیث را از دلداری علی نقوی آموخت سپس منصب فتوی و قضاوت را در شهر میرته برعهده گرفت. در اواخر عمر به لکنهو بازگشت و به تألیف مشغول شد.^۱ کتاب‌های ارزشمندی از ایشان در موضوعات فقه، اصول، کلام، تفسیر و ادبیات به یادگار مانده است.^۲

فرزندان علامه محمد قلی موسوی از علماء و بزرگان بودند:

۱. سید سراج حسین؛ علاوه بر علوم دینی در طب، فیزیک، ریاضی، هندسه و فلسفه تبحر داشت.

۲. سید اعجاز حسین؛ فقیهی متتبع و محقق کوشا بود. (کتاب کشف الحجب و الاستار که حدود ۳۵۰۰ نوشتار علمای شیعه را معرفی کرده است از ایشان است.)

۳. میرحامد حسین صاحب کتاب شریف عبققات الانوار.

۴-۳- میرحامد حسین بن محمد قلی (۱۳۰۶ - ۱۲۴۶ ق / ۱۸۸۸ - ۱۸۳۰ م)

میرحامد حسین بن محمد قلی موسوی معروف به سید المتکلمین در شهر میروت هند متولد شد و تحصیلات ابتدایی را نزد پدرش آموخت. در ۱۵ سالگی پدرش را از دست داد.^۳

در سال ۱۲۸۲ برای حج و زیارت رفت و از کتب نادره حرمین اقتباس کرد و به هند برگشت. ایشان در جمع‌آوری کتب نادر از کشورهای دور مانند مصر و شام بسیار تلاش کرد.^۴

علامه سید محسن امین در مورد ایشان می‌گوید کسی را مانند ایشان مسلط به علم

۱. کشف الحجب و الاستار، صص ۱۲۷ و ۱۳۶؛ نجوم السماء، ص ۲۳؛ ریحانة الادب، ج ۵، ص ۳۵۶؛ الفوائد الرضویه، ص ۵۹۶.

۲. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۱؛ الذریعه، ج ۱۷، ص ۱۶۲، ج ۴، ص ۴۶۶، ج ۱، ص ۲۹۹، ج ۲، ص ۶۷۷، ج ۱۶، ص ۱۶۶، ج ۱۴، ص ۱۹۹، ج ۴، ص ۲۰۲.

۳. تکمله نجوم السماء، ج ۲، صص ۲۵-۲۶؛ اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۱.

۴. نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۱۲۰۷.

کلام و اخبار و آثار ندیدم.^۱ آغا بزرگ تهرانی ایشان را کثیر التبع واسع الاطلاع و مسلط به آثار، اخبار و تراث اسلامی می‌داند که در قرون گذشته و در بین معاصرین و متأخرین از خود مانند و شبیه ندارد.^۲

در مجموع میرحامد حسین فردی ادبی و مصنفی ورزیده و مجتهدی کامل بود و در فقه و اصول، منطق و فلسفه در تمام کشور شهرت داشت و افاضل سنی و عرب و عجم به وی رجوع می‌کردند و با وی مکاتبه داشتند. علمای ایران و عراق از او با القابی همچون محقق، محدث، حافظ و فقیه یاد کرده‌اند.^۳

از ایشان آثاری به جا مانده است^۴ که مهم‌ترین آنها عبققات الانوار است. این کتاب در ۳۰ جلد به اثبات عقاید شیعه در امامت و در رد باب هفتم تحفه اثنا عشریه عبدالعزیز دهلوی پرداخته و مورد توجه علمای شیعه قرار گرفت.^۵ علامه امینی نیز در الغدیر از این کتاب به بزرگی یاد می‌کند.^۶

۵-۳- سید حسین بن دلدار علی (۱۲۷۳ - ۱۲۱۱ق / ۱۸۵۶ - ۱۷۹۶م)

سید حسین فرزند سید علی دلدار نقوی و معروف به سید العلماء در شهر لکنه‌و به دنیا آمد. مقدمات را نزد پدر و برادر بزرگترش سید محمد (سلطان العلماء) فرا گرفت و در منطق، فلسفه، کلام، هیئت، هندسه، اصول، فقه، تفسیر، حدیث و ادبیات همت گماشت و در هفده سالگی به درجه اجتهاد رسید.^۷

۱. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۱.
۲. نقباء البشر، محمد محسن آغا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۳۴۷، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق.
۳. مطلع انوار، صص ۱۸۶-۱۸۴.
۴. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۱؛ فوائد الرضویه، ص ۹۲؛ علماء العرب فی شبه القاره الهندیه، ابراهیم یونس سامرای، ص ۷۳۸-۷۳۷، المكتبة الوطنیه، بغداد، تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۴۳۸-۴۳۷، احسن الودیعه، محمد مهدی کاظمی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۰۲، مطبعه النجاش، بغداد، بی‌تا.
۵. ابوالفضل محمد عباس یمینی این تقریظات را در کتابی با عنوان «سواطع الانوار فی تقاریظ عبققات الانوار» جمع کرده است که در سال ۱۳۵۹ق در لکنه‌و چاپ شده است.
۶. الغدیر، علامه امینی، ج ۱، صص ۱۵۷-۱۵۶، بنیاد بعثت، تهران.
۷. تکمله نجوم السماء، میرزا محمد مهدی لکنه‌وی کشمیری، ج ۱، ص ۱۲۶، مکتبه بصیرتی، قم.

او از فقهای بزرگ^۱ و در علم و فضل و سخا و قضا و افتاء مشهور بود.^۲ ایشان با علمای نجف رابطه علمی داشت و آثار ایشان مورد تأیید صاحب جواهر قرار گرفت.^۳ در اخلاق اجتماعی نیز اوصاف و کراماتی از ایشان نقل شده است.^۴ از ایشان آثار و تألیفاتی نیز بر جای مانده است.^۵

۶-۳- مفتی محمد قلی خان (۱۲۶۰ - ۱۱۸۸ ق / ۱۸۴۴ - ۱۷۷۴ م)

سید مفتی محمد قلی کتوری لکنهوی معروف به مفتی، شاگرد سید علی دلداری نقوی بود و در اکثر علوم و فنون محقق بی نظیر و عالمی دقیق و کامل بود به خصوص در علم کلام.^۶ وی در علم کلام و مناظره بی نظیر بود و در احیاء علوم و آثار اهل بیت علیهم السلام بسیار موفق بود.^۷ ایشان علاوه بر ابعاد علمی، منصب قضاوت نیز داشتند.^۸ از ایشان آثار ارزشمندی به جای مانده است.^۹

۷-۳- بحر العلوم سید حسین نونهروی

سید حسین فرزند رمضان علی ساکن در نونهره بود. مقدمات را در زادگاه خود آموخت و علوم عقلی و نقلی را از دارالعلم لکنهوی فرا گرفت. او ذکاوت و فراست بالایی داشت و در علوم عقلی از تبحر بالایی برخوردار بود.^{۱۰}

۱. فوائد الرضویه، ص ۱۳۵.

۲. نجوم السماء، ص ۳۷۳.

۳. فوائد الرضویه، ص ۱۳۵.

۴. مطلع انوار، ص ۲۱۹.

۵. کشف الحجب و الاستار، صص ۲۰، ۳۷۸ و ۴۸۶.

۶. مطلع انوار، ص ۶۰۰.

۷. نجوم السماء، ص ۴۴۸-۴۴۷.

۸. همان.

۹. گلشن ابرار، گروهی از نویسندگان، ص ۳۷۳، چاپ دانش، قم، ۱۳۸۲؛ فوائد الرضویه، صص ۵۹۶-۵۹۵؛ نزهة

الخواطر، ج ۷، ص ۱۱۰۳؛ اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۴۰۱؛ اعلام الهند، ج ۲، صص ۶۹۰-۶۸۹.

۱۰. اعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۳، ص ۹۵۴، جزء هفتم، رقم ۲۴۳.

او حلال غوامض مشکلات علم و حکمت و ریاضی و کشف اسرار علوم معروفه و مشهوره بود. همه مقامات تحریر اقلیدس را حفظ کرده و در فن ارثما طبعی قوانین جدید را ابداع کرده بود. ایشان در ۱۲۷۱ق / ۱۸۵۳م از دنیا رحلت کرد.^۱

۸-۳- سبجان علی خان بن علی حسین ۲ (۱۲۴۶ - ۱۱۸۰ق / ۱۸۴۷ - ۱۷۶۶م)

سبجان علی خان بهادر ابن علی حسین کنبوه از بزرگان بانس بریلی بود. اجداد او از قائن به هند آمده بودند. ایشان معاصر سلطان العلماء (فرزند سید علی دلدار) و در فلسفه، کلام، منطق، فقه، طب، حدیث، ریاضی و ادبیات عالمی برجسته و اهل سیر و سلوک بود. افزون بر این در امور حکومت نیز مشارکت و همکاری داشت.^۲ او علوم معقول و منقول و کلام را نزد سید علی دلدار فرا گرفت.^۳

۹-۳- ذاکر علی جونپوری

ذاکر علی جونپوری از خاندان نجیب مفتی ابوالبقاء بود که خاندان مشهور و مورد احترامی بود. او در تمامی علوم متداوله، حاضر جواب و از دانایان عصر خویش بود ولی در ادبیات عرب بی نظیر بود. ایشان در ۲۳ محرم ۱۲۱۱ق رحلت فرمودند.^۴

۱۰-۳- فخر الدین احمد خان

فخر الدین احمد خان معروف به جعفر میرزا در مرکز لکنهو متولد شد و همانجا ریاضی و هندسه، ادبیات عرب و فارسی، حکمت و فلسفه و فقه و اصول را آموخت و از بزرگان عصر خود گشت. سرانجام در رجب ۱۲۳۰ق در لکنهو درگذشت.^۵

۱۱-۳- محمد بن عبدالنبی اخباری اکبرآبادی ۱۲۳۳ - ۱۱۷۸ق / ۱۸۱۷ - ۱۷۶۴م

محمد بن عبدالنبی در اکبرآباد آگره به دنیا آمد. در سال ۱۱۹۸ برای حج و عتبات

۱. تکمله نجوم السماء، ج ۱، صص ۱۳۷-۱۳۶.

۲. تکمله نجوم السماء، ص ۶۰؛ الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۳، جزء هفتم، ص ۹۷۹، رقم ۳۴۴.

۳. مطلع انوار، ص ۲۸۰.

۴. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۳؛ اعلام الهند، ج ۱، ص ۶۱۱.

۵. مطلع انوار، ص ۲۶۲؛ الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۳، ص ۹۶۸، جزء هفتم، رقم ۲۹۹.

۶. نجوم السماء، ص ۳۷۳؛ مطلع انوار، ص ۴۳۴.

عالیات حرکت کرد. پس از حج در کربلا و نجف و کاظمین ساکن شد و از علمای آنجا کسب فیض کرد و از ایشان اجازات را اخذ کرد. وی از بزرگان اخباریین بود. او عالم برجسته، فقیه، محدث و متکلم بود و در مقابل اصولیون رد کتاب اساس الاصول را نوشت که توسط شاگردان سید دلدار علی جواب داده شد.^۱

۱۲-۳- سید محمد عباس بن علی اکبر جزایری شوشتری (۱۳۰۶ - ۱۲۲۴ق /

۱۸۸۹ - ۱۸۰۹م)

سید محمد عباس بن علی اکبر جزایری شوشتری در لکنهو به دنیا آمد. او از نوادگان سید نعمت الله جزایری شوشتری بود.^۲

ایشان هر چند خارج از هند برای تحصیل علم نرفتند ولی به زبان فارسی و عربی کاملاً مسلط بودند. سلطان العلماء بنابر مهارت، و تبحر در فقه ایشان را در سال ۱۲۶۱ مفتی و قاضی لکنهو قرار دادند و پادشاه اوده ایشان را با لقب‌های تاج العلماء و افتخار الفضلا ملقب کردند. سید محمد عباس دستورات و قوانین قضایی تعیین نمودند که برای همه قاضیان مملکت اوده فرستاده شد.^۳

تالیفات ایشان بیش از ۳۰۰ عنوان می‌باشد که در موضوعات عقاید، ادبیات، اخلاق، فقه، ادعیه، تفسیر، فلسفه می‌باشد.^۴

۱۳-۳- سید محمد ابراهیم بن محمد تقی (۱۳۰۷ - ۱۲۵۹ق / ۱۸۹۰ - ۱۸۴۳م)

سید محمد ابراهیم بن محمد تقی ممتاز العلماء در لکنهو به دنیا آمد و دروس دینی

۱. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، میرزا محمد باقر خوانساری موسوی، ج ۷، ص ۱۲۷، رقم ۶۱۳، مکتبه اسماعیلیان، قم، خیابان ارم، بی تا؛ اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۷۳؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، ج ۱۹، ص ۳۷۳، مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان، الطبعة الثانية، سال ۱۴۰۸ق؛ تکمله نجوم السماء، ج ۱، ص ۱۱۸؛ مطلع انوار، ص ۵۳۶.

۲. دائره المعارف اسلامیه (اردو)، ج ۱۹، ص ۴۴۴، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۴۰۰ق؛ اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۱؛ اثر آفرینان، ج ۲، ص ۲۰۱؛ تکمله نجوم السماء، ج ۲، صص ۳۵-۳۳ و ۶۸.

۳. دائره المعارف اسلامیه (اردو)، ج ۱۹، ص ۴۴۴.

۴. تکمله نجوم السماء، ج ۲، صص ۶۹-۸۰؛ نقباء البشر، ج ۳، صص ۱۰۱۲-۱۰۱۱؛ کشف الحجب و الاستار، صص ۷۲-۷۱ و ۳۶۰.

را نزد پدرش آموخت.^۱ و در سن شانزده سالگی به مراتب کمال رسید و به تدریس و تقریر روی آورد. ایشان در مبارزه با استعمار انگلیس نیز فعالیت سیاسی داشت.^۲ در سال ۱۲۸۹ به حج و زیارت عتبات عالیات رفت و اجازه اجتهاد دریافت کرد. در مسافرت به ایران نیز مورد استقبال علما و دربار قارجار قرار گرفت.^۳ ایشان تألیفاتی نیز داشته‌اند.^۴

۱۴-۳- سید ابوالحسن بن بنده حسین نقوی (۱۳۰۹ - ۱۲۶۸ ق / ۱۸۹۱ - ۱۸۵۱ م)

سید ابوالحسن بن بنده حسین نقوی ملقب به ملاذ العلماء و معروف به بچهن در لکنهو به دنیا آمد.^۵ در خانواده‌ای مذهبی رشد کرد و وارد دانشگاه کینک لکنهو شد و از استادان معروف کسب فیض کرد.

از شیخ زین العابدین مازندرانی مجتهد اعظم کربلا اجازه اجتهاد دریافت کرد.^۶ ایشان در منطق، حکمت و اصول صاحب نظر بود. بین مجتهدین شبه قاره هند مقام بالایی داشت.

از مهم‌ترین اقدامات ایشان برگزاری درس خارج بود که متروک شده بود.^۷ از ایشان تألیفاتی نیز به جای مانده است.^۸

۱۵-۳- سید علی محمد بن سید محمد نقوی (۱۳۱۲ - ۱۲۶۴ ق / ۱۸۹۴ - ۱۸۴۸ م)

سید علی محمد معروف به تاج العلماء فرزند سید محمد نقوی معروف به سلطان

۱. تکمله نجوم السماء، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. مطلع انوار، ص ۵۰۲.

۳. مطلع انوار، صص ۵۰۳-۵۰۴.

۴. ر. ک: تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۴۶۱، ۶۳۸، ۶۳۹ و ۶۷۰؛ تذکره علماء امروزه، سید شهسوار حسین نقوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۹۹۷ م.

۵. نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۱۱۶۶.

۶. مطلع انوار، ص ۶۰.

۷. تکمله نجوم السماء، ج ۲، ص ۱۲۴.

۸. ر. ک: بر صغیر کی امامیه مصنفین، ج ۱، ص ۱۸۰؛ تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۲۱۴، ۲۴۹، ۳۴۲ و ۶۵۹.

العلماء و نوه سید دلدار علی نقوی بود که در شهر لکهنو به دنیا آمد و از محضر پدر و اساتید آنجا بهره برد و فقیه و متکلمی خیره شد. در سفر به عتبات عالیات خدمت مراجع عظام رسید و پانزده اجازه اجتهاد دریافت کرد. پس از وفات سلطان العلماء به موطن خود بازگشت و به تدریس و تصنیف پرداخت.^۱ بیش از صد کتاب از ایشان به یادگار مانده است.^۲

۱۶-۳- سید محمد ابوالحسن بن علی بن صفدر (۱۳۱۳ - ۱۲۶۰ / ۱۸۹۵ - ۱۸۴۴م)

سید محمد ابوالحسن بن علی بن صفدر رضوی لکنهوی معروف به ابوصاحب در لکنهو متولد شد و رشد کرد و در چهارده سالگی تحصیلات خود را به کمال رساند.^۳ ایشان به مجالس و عظ و برگزاری جمعه و جماعات همت می‌گمارد و دروس فقه و اصول را به خوبی تدریس می‌کرد. به طوری که محیط علمی نجف و کربلا تداعی می‌شد.^۴ ایشان به بنای مدارس دینیه اهمیت ویژه‌ای می‌داد. در سال ۱۲۸۹ مدرسه ایمانیه را ساخت. پس از آن چند مدرسه دیگر مانند مشارع الشرایع (مدرسه ناظمیه) را نیز بنا کرد که از مهم‌ترین مدارس لکنهو است. در سال ۱۸۹۲ مدرسه «سلطان المدارس» را برای تحصیل در سطوح عالی دینی بنا کرد. ایشان چندین سفر حج و زیارت انجام داد و در آخرین سفر در کربلا مرحوم و در حرم سید الشهداء علیه السلام به خاک سپرده شد.^۵ از ایشان تألیفاتی در موضوعات فقه، اصول فقه، عقاید، تاریخ و ادبیات به جا مانده است.^۶

۱. تکمله نجوم السماء، ج ۲، صص ۱۵۴-۱۵۳ و ۱۵۷؛ نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۱۳۱۳؛ مطلع انوار، صص ۳۹۹-۳۹۸؛ فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدرایی خویی، ج ۸، ص ۳۱۰، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.

۲. ر. ک: اعیان الشیعه، ج ۸، صص ۳۱۱-۳۱۰؛ الذریعه، ج ۱، صص ۲۴، ۱۱۵ و ۲۲۴، ۲۷۶، ۲۸۳، ۲۸۸، ۳۷۳، ۴۰۶، ۵۱۴، ۵۱۸، ۵۲۳؛ بر صغیر کی امامیه مصنفین، ج ۲، صص ۸، ۸۰، ۳۷۵، ج ۱، صص ۲، ۶۱ و ۴۵۸.

۳. تذکره بی‌بها، محمد حسین حسینی نوگانوی، ص ۲۵، کاظم بک دپو، دهلی هند، بی‌تا.

۴. فرشتگان جهان، صص ۸۹.

۵. تکمله نجوم السماء، ج ۲، صص ۱۸۲-۱۸۱.

۶. تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۲۵۹ و ۲۰۳؛ اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۲۳، بر صغیر کی امامیه مصنفین، ج ۲، ص ۶۹، ج ۱، صص ۱۰۸ و ۴۱۵.

۱۷-۳- محمد عباس مفتی (۱۳۰۶ - ۱۲۳۴ق / ۱۸۸۹ - ۱۸۱۹م)

محمد عباس مفتی زبان فارسی را نزد پدرش فرا گرفت. فقه و اصول و کلام و حدیث و علوم معقول را در محضر سید حسین و سید العلماء آموخت و هیجده سال در خدمت مولوی عبدالقدوس و عبدالقوی درس خواند و نبوع و استعداد خود را نشان داد.^۱ از سن دوازده سالگی تألیف را آغاز کرد. تألیفات چاپ شده او بیش از ۱۵۰ جلد و تعداد زیادی نیز به صورت غیرچاپی باقی مانده است. مهم‌ترین آثار ایشان عبارتند از تفسیر روائح القرآن، منابر الاسلام (حدیث)، شریعت غراً (فقه) و حاشیه شرح لمعه.^۲

۱۸-۳- شیخ محمد مهدی استرآبادی (متوفی ۱۲۵۹ق)

شیخ محمد مهدی در استرآباد به دنیا آمد و پس از اخذ مقدمات در سال ۱۲۳۱ ق به کربلا مهاجرت کرد و در درس سید علی طباطبایی صاحب ریاض شرکت کرد. پس از مدتی به ایران بازگشت و مدارج اجتهاد را نزد شهید ثالث و ملا محمد صالح برغانی پیمود. در سال ۱۲۴۰ق به هندوستان رفت و در شهر لکنهو مستقر شد و کرسی تدریس و فتوا را به خود اختصاص داد و از مراجع شیعیان هند گشت و به تربیت طلاب علوم دینی همت گماشت. بیش از ۲۰ کتاب از ایشان به یادگار مانده است.^۳

۱۹-۳- احمد بن محمد علی بهبهانی کرمانشاهی (۱۲۴۳ - ۱۱۹۱ق / ۱۸۲۷ - ۱۷۷۷م)

احمد بن محمد علی بهبهانی، مجتهد، فقیه اصولی، ریاضی‌دان، فیلسوف، عارف و شاعر بود. پس از کسب مقدمات در موطن خود در سال ۱۲۱۰ق به نجف و سپس به قم رفت و از سید محسن الاعرجی و سید علی طباطبایی و میرزا مهدی شهرستانی اجازه روایی گرفت و از صاحب قوانین و از افاضل و آیات عظام دیگر اجازه اجتهاد گرفت.^۴

۱. ر. ک: مطلع انوار، ص ۵۷۸.

۲. الذریعه، ج ۵، ص ۱۹، ج ۱، ص ۴۰۱.

۳. الذریعه، ج ۲، ص ۲۲۰؛ نجوم السماء، ص ۳۹۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۱۱۱، غلام حسین مصاحب، امیر کبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰.

۴. نجوم السماء، ص ۴۰۸، مطلع انوار، صص ۹۲-۹۳؛ نزهة الخواطر، ج ۷، صص ۹۰۳-۹۰۲.

در سال ۱۲۲۰ق به هندوستان (بندر بمبئی) رفت و در چندین شهر هندوستان اقامت کرد.^۱

۲۰-۳- ملا مهدی بن محمد شفیع استر آبادی مازندرانی (متوفی ۱۲۵۹هـ / ۱۸۴۳م) ملا مهدی بن محمد شفیع در استر آباد متولد شد و پس از گذراندن مقدمات و سطوح به عراق رفت و پس از کسب فیض از علمایی چون سید علی طباطبایی به درجه اجتهاد رسید. ایشان تحصیلاتش را در بازگشت به ایران تکمیل کرد و در سال ۱۲۴۰ق به هندوستان رفت.^۲

ایشان عالمی متبحر و فاضل بود که همواره مشغول تصنیف و تدریس و در گوشه عزلت به سر می‌برد.^۳ بیشتر آثار ایشان در موضوع فقه و اصول فقه است.

۲۱-۳- سید نجف علی حسینی نونهروی غازی پوری (متوفی ۱۲۶۱ق - ۱۸۴۵م) سید نجف علی از علمای شیعه در هند بود که در نونهره قریه‌ای از شهر غازی پور متولد و برای تحصیل علم به شهر لکنهو مسافرت کرد و از محضر سید دلدار علی بهره برد^۴ و از ایشان به دریافت اجتهاد نایل آمد.^۵ او علوم عقلی و نقلی را به کمال رساند و در ادبیات (فارسی و عربی) نیز استاد بود.^۶

از ایشان آثار متعددی در فقه، اصول، کلام، ادبیات و تاریخ به جا مانده است.^۷

۲۲-۳- سید علی بن صفدر بن صالح (۱۲۶۹ - ۱۲۱۷ق / ۱۸۵۳ - ۱۸۰۲م) سید علی بن صفدر بن صالح رضوی کشمیری در لکنهو متولد شد.^۸ کتب درسی را

۱. مطلع انوار، ص ۹۳، اعلام الهند، محمد سعید طریحی، ج ۱، ص ۱۳۰، مؤسسه البلاغ، بیروت، لبنان، ۲۰۰۵م.

۲. اعلام الهند، ج ۲، ص ۵۵۶؛ مطلع انوار، ص ۶۵۷.

۳. نجوم السماء، ص ۴۱۹؛ خورشید خاور، ص ۴۱.

۴. نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۱۱۲۱؛ اعلام الهند، ج ۲، صص ۵۹۵-۵۹۴.

۵. مطلع انوار، ص ۶۷۷.

۶. تکمله نجوم السماء، ج ۱، ص ۵۱.

۷. ر. ک: تألیفات شیعه در شبه قاره هند، ص ۵۷.

۸. اعلام الهند، ج ۲، ص ۶۳۷.

نزد پدرش خواند و بعد برای تکمیل تحصیل علم دین به عراق رفت.^۱ در عراق در محضر علمای بزرگ مانند صاحب جواهر و سید علی طباطبایی تحصیل کرد و به درجه اجتهاد نائل آمد و در سال ۱۲۵۲ به شهر خود برگشت.^۲ از ایشان تصنیفات و کتاب‌هایی به جا مانده است.^۳

۲۳-۳- سید محمد تقی بن سید حسین بن دلدار علی (۱۲۸۹-۱۲۳۴ق/۱۸۷۲-۱۸۱۹م)

سید محمد تقی فرزند سید العلماء نوه دلدار علی نقوی بود که در لکنهو به دنیا آمد و از پدر و عمویش (سلطان العلماء) تلمذ کرد و از ایشان و صاحب جواهر در سن ۲۸ سالگی اجازه اجتهاد گرفت.^۴ ایشان را جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول معرفی کرده‌اند.^۵

ایشان در تدریس و خطابه مشهور بود. نماز جمعه و جماعات را برگزار و مسجد و حسینیه‌ای عظیم تأسیس کرد. برای طلاب خوابگاه و کتابخانه‌ای عالی ساخت. مرجعیت تمام کشور در دست او بود. فتوهای ایشان در اخبار الاخبار چاپ شد و تعداد زیادی از مردم از ایشان تقلید می‌کردند.^۶ از ایشان آثار و کتاب‌هایی به یادگار مانده است.^۷

۲۴-۳- سید احمد علی بن عنایت حیدر حسینی (۱۲۹۵-۱۲۰۶ق / ۱۸۷۸-۱۷۹۲م)

عالم دینی، فقیه، ادیب و فاضل بود و در قصبه محمدآباد بلوک اعظم گره متولد شد.^۸ پس از اتمام تعلیمات ابتدایی، برای تحصیل علوم دینی به فیض آباد و سپس

۱. فرشتگان جهان، سید محمد تقی رضوی بحرالعلوم، باقر العلوم فاوندیشن، لکنهو، هند.

۲. مطلع انوار، صص ۳۷۱-۳۷۰؛ تکمله نجوم السماء، ج ۱، صص ۹۵-۹۳؛ نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۱۰۴۴.

۳. تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۵۸۸، ۴۹۷، ۳۳۷؛ الذریعه، ج ۱، ص ۵۲۹، ج ۳، ص ۴۸۳، ج ۱۱، ص

۱۴۱، ج ۱۶، ص ۳۴۹، ج ۱۷، ص ۲۳۹، ج ۱۸، ص ۱۹؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۲۴۸.

۴. نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۱۰۹۰.

۵. تکمله نجوم السماء، ج ۱، ص ۲۹۹.

۶. مطلع انوار، ص ۵۲۶.

۷. کشف الحجب و الاستار، ص ۲۱۵؛ تکمله نجوم السماء، صص ۲۹۹-۳۰۰.

۸. نزهة الخواطر، ج ۷، صص ۹۰۸-۹۰۷؛ مطلع انوار، ص ۱۰۷؛ مستدرکات اعیان الشیعه، سید حسن الامین عاملی،

ج ۵، ص ۷۱؛ دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، لبنان.

لکنهو رفت. او بر تفسیر، حدیث، فقه و اصول، منطق و فلسفه و نیز بر ادبیات عرب تسلط کامل داشت و در فن قرائت یگانه روزگار بود.^۱

در ۱۲۷۴ق در سیر سفر حج، در عتبات عالیات با علمایی همچون شیخ مرتضی انصاری و میرزا علی نقی طباطبایی حایری ملاقات و مباحثه علمی انجام داد و به جامعیت و احاطه علمی او اعتراف کردند.^۲

۲۵-۳- سید بنده حسین بن سلطان العلماء (متوفی ۱۲۹۶ق / ۱۸۷۹م)

سید بنده حسین معروف به ملک العلماء، فرزند سلطان العلماء و نوه دلدار علی بود و در شهر لکنهو متولد شد.^۳

نزد برادر بزرگش (سید مرتضی معروف به خلاصه العلماء) دروس معقول و نزد پدرش فقه و اصول و علوم منقول را به پایان رسانید. از پدرش و همچنین علامه شیخ محمد حسین مازندرانی و علامه سید علی تستری حایری اجازه اجتهاد گرفت.^۴ پس از فوت پدرش جانشین پدر شد و در سال ۱۲۸۴ق به حج مشرف شد و در ۲۹ جمادی الثانی ۱۲۹۶ق درگذشت.^۵

۴- علمای شیعه در قرن چهاردهم

۱-۴- سید محمد بن هاشم بن میر شجاعت (۱۳۲۳ - ۱۲۴۲ق / ۱۹۰۵ - ۱۸۲۶م)

سید محمد بن هاشم بن میر شجاعت علی نقوی لکنهوی نجفی هندی از شاگردان شیخ انصاری بود که از ایشان و از محسن الامین اجازه اجتهاد داشت^۶ اجداد ایشان از

۱. موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۱۲۷؛ مطلع انوار، صص ۱۰۸-۱۰۷؛ اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸؛ کرام البرره، آغا بزرگ تهرانی، ج ۱، ص ۱۱۹، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق.
 ۲. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۸؛ اعلام الهند، ج ۱، ص ۱۳۴.
 ۳. نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۹۳۷.
 ۴. مطلع انوار، ص ۱۴۵.
 ۵. نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۹۳۷.
 ۶. تکمله نجوم السماء، ج ۲، ص ۲۵۲.

لکنهو به نجف مهاجرت کرده بودند. ایشان نیز در نجف تدریس می‌کرد و عهده‌دار امامت جمعه و جماعت بود.^۱

علمای بزرگی همچون محدث نوری و آغا بزرگ تهرانی از ایشان به بزرگی یاد کرده‌اند.^۲

از ایشان بیش از ۳۰ تألیف به جای مانده است.^۳

۲-۴- سید مصطفی بن محمد هادی (۱۳۲۳ - ۱۲۵۳ ق / ۱۹۰۵ - ۱۸۳۷ م)

سید مصطفی ملقب به عماد العلماء و معروف به میرآقا در لکنهو به دنیا آمد. او از خاندان دلدار علی بود و در محضر پدر و بادر و دایی اش علوم دینی را فرا گرفت و در علوم عقلی و نقلی و در فقه و اصول اجازه اجتهاد گرفت و بعد از سید محمد تقی ممتاز العلماء به درجه مرجعیت رسید.^۴

تألیفات ایشان بیش از ۳۰ مورد است.^۵

۳-۴- سید ابوالقاسم بن حسین رضوی (۱۳۲۴ - ۱۲۴۹ ق / ۱۹۰۶ - ۱۸۳۳ م)

سید ابوالقاسم بن حسین رضوی قمی حایری لاهوری هندی در شهر فرخ آباد (پوبی هند) متولد شد. اجداد او از قم به کشمیر مهاجرت کرده بودند. ایشان در مسافرت‌های تجاری به لکنهو رفت و آمد داشت از محضر فرزندان دلدار علی بهره برد.^۶

در محله دروازه موچی مسجد و مدرسه‌ای تأسیس کرد و نماز جمعه و جماعت برقرار ساخت و در مدرسه خودش به تدریس پرداخت و به برکت وجود او علوم شیعه

۱. اعلام الهند، محمد سعید طریحی، ج ۲، ص ۵۷۱، مؤسسه البلاغ، بیروت، لبنان، ۲۰۰۵ م.

۲. تکمله نجوم السماء، ج ۲، صص ۲۵۶-۲۵۷؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۸۴؛ مطلع النوار، ص ۴۸۸.

۳. تألیفات شیعه در شبه قاره هند، صص ۲۵۰، ۲۶۹، ۲۰۹، ۵۷۷، ۴۵۷، ۲۰۸.

۴. تکمله نجوم السماء، ج ۲، ص ۲۱۸؛ مطلع انوار، ص ۶۱۲.

۵. اعلام الهند، ج ۲، صص ۵۷۳-۵۷۴؛ تألیفات شبه قاره هند، صص ۲۷۵، ۴۶۷، ۲۷۶، ۲۸۴، ۳۴۴، ۱۸۹ و ۵۶.

۶. تذکره علمای امامیه پاکستان، سید حسین عارف نقوی، ترجمه محمد هاشم، ص ۱۶، بنیاد پژوهش‌های اسلامی

آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰ هـ. ش؛ نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۱۱۶۶.

در پنجاب منتشر شد. وی به تفسیر مفصلی از قرآن پرداخت.^۱
 در مسیر ادای فریضه حج و عتبات، از محضر شیخ انصاری بهره برد و پس از کسب اجازه اجتهاد به ایران و سپس لاهور برگشت و مدرسه‌ای تأسیس کرد.^۲
 آثار ایشان در برخی منابع^۳ و در برخی^۴ عنوان ذکر شده است که مهم‌ترین آن لوامع التنزیل (جلد ۱۴) در تفسیر قرآن کریم و به زبان فارسی است.

۴-۴- سید محمد حسین بن بنده حسین (۱۳۲۵ - ۱۲۶۰ ق / ۱۹۰۷ - ۱۸۴۴ م)

سید محمد حسین بن بنده حسین نقوی نصیر آبادی لکنهوی ملقب به بحرالعلوم، جامع معقول و منقول بود. مقدمات را نزد پدرش فرا گرفت و عازم عتبات عالیات شد و در درس شیخ العراقین زین العابدین مازندرانی شرکت کرد و به درجه اجتهاد رسید. او علاوه بر این که فقیه و مجتهد بود، طبیب ماهری بود. ایشان طب، منطق، فقه و اصول، کلام و ادبیات تدریس می‌کرد و شیعه و سنی در درسش شرکت می‌کردند.^۵ از ایشان آثار و تألیفاتی نیز به جای مانده است.^۶

۴-۵- سید امجد حسین بن منور علی اله آبادی (۱۳۵۰ - ۱۲۸۰ هـ / ۱۹۳۱ - ۱۹۶۴ م)

ایشان اهل رسول پور سونی بلوک اله آباد هند بود. پس از آموختن مقدمات نزد پدرش، به لکنه رفت و از اساتید آنجا اجازه اجتهاد و روایت گرفت.^۷ پس از ده سال سکونت در لکنه به اله آباد رفت و در سال ۱۳۰۸ به عراق رفت و دو سال و نیم از محضر اساتیدی مانند سید کاظم طباطبایی بهره برد و از آنها اجازه اجتهاد گرفت.^۸ پس

۱. مطلع انوار، ص ۷۹.
۲. تذکره بی بها، ص ۳۹.
۳. تذکره علمای امامیه پاکستان، ص ۱۷.
۴. مطلع انوار، ص ۸۰.
۵. تکمله نجوم السماء، ج ۲، ص ۲۴۹؛ مطلع انوار، ص ۵۴۳.
۶. بر صغیر کی امامیه مصنفین، ج ۱، ص ۴۱۰.
۷. خورشید خاور، صص ۹۱-۹۲؛ نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۹۲.
۸. مطلع انوار، ص ۱۲۴؛ تذکره بی بها، محمد حسین حسینی نوگانی، ص ۵۷، کاظم بک دیو، دهلی هند، بی تا.

از مراجعت از نجف در اله‌آباد ساکن شد و مدرسه دینی در آنجا تأسیس کرد.^۱ آثاری از ایشان به جا مانده است.^۲

۶-۴- سید غلام حسین بن اشرف حسین (۱۳۵۲ - ۱۲۷۰ هـ / ۱۹۳۳ - ۱۸۵۳ م)
 سید غلام حسین بن اشرف حسین بنگلوری حیدرآبادی ملقب به صدر العلماء در حیدرآباد متولد شد. پس از اتمام مقدمات در زادگاهش به نجف اشرف رفت و به درجه اجتهاد از علمای آنجا نایل آمد.^۳ در سال ۱۳۰۵ به هندوستان برگشت. ایشان با علمای لکنهو روابط هم‌پایه داشت.^۴ از ایشان آثاری نیز به جا مانده است.^۵

۷-۴- سید محمد حسین بن سید حسین زیدی البارهوی ملقب به محقق هندی در لکنهو به دنیا آمد و در محیطی علمی رشد کرد. در سال ۱۳۰۶ به عتبات عالیات رفت و از علمای آنجا اجازه اجتهاد دریافت کرد.^۶

۸-۴- محمد حسین نوگانوی (۱۳۶۲ - ۱۲۸۳ ق)

محمد حسین نوگانوی در نوگانه بلوک مرادآباد به دنیا آمد. پس از تعلیم ابتدایی در سال ۱۳۰۰ ق به لکنهو رفت و در مدرسه علامه کنتوری ادامه تحصیل داد. بعد از سال ۱۳۱۳ ق به نجف رفت و از علامه حاج شیخ محمد حسین مازندرانی استفاده علمی نمود و به درجه اجتهاد رسید. پس از برگشت به هند به تدریس، تألیف و کارهای فرهنگی و اجتماعی مشغول شد.^۷

۱. خورشید خاور، سید سعید اختر، ص ۹۲، معارف، پبلیکشنز، گوپالپور، باقر گنج، ضلع، سیوان، بهار، هندوستان

۲. اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۴؛ مطلع انوار، ص ۱۴۲.

۳. مطلع انوار، ص ۴۲۲.

۴. خورشید خاور، صص ۲۷۳-۲۷۲.

۵. نقباء البشر، محمد محسن آغا بزرگ تهرانی، ج ۴، ص ۱۶۴۹، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ هـ؛ الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۲۹.

۶. مطلع انوار، ص ۵۴۵.

۷. مطلع انوار، ص ۵۴۷.

۹-۴- سید ناصر حسین ناصر المله (۱۳۶۱ - ۱۲۸۴ ق / - ۱۸۶۸)

سید ناصر حسین ناصر المله فرزند میر حامد حسین موسوی (صاحب عبقات الانوار) و نوه علامه محمد قلی در لکنهو به دنیا آمد. با توجه به هوش سرشار تحصیلات دینی را پشت سر گذاشت و در سن شانزده سالگی به اجازه اجتهاد نایل آمد و تدریس را آغاز کرد که از شیعه و سنی در آن شرکت می‌کردند. در نوشتن کتاب عبقات الانوار مشارکت کرد و در سال ۱۳۰۳ امامت نماز جمعه را بر عهده گرفت. در سن ۲۲ سالگی با فوت پدر، مسئولیت‌های سنگین را به خوبی انجام داد و در سال ۱۹۱۶م به خاطر خدماتی که برای اهالی لکنهو انجام داده بود، نائب السلطنه ایشان را «شمس العلماء» خطاب داد.^۱

آثار متعددی از ایشان به جا مانده است که سبائك الذهبان (۴۸ جلد) در علم رجال از مهم‌ترین آنهاست.

۱۰-۴- سید ابوالحسن (میرن صاحب) (۱۳۶۳ - ۱۲۹۹ ق)

سید ابوالحسن در حیدرآباد متولد شد. پس از گذراندن مقدمات به لکنهو رفت و نزد دایی اش (سید محمد عباس مفتی) تحصیلات را ادامه داد و مجدداً به درخواست پدر به حیدرآباد برگشت.^۲ بعد از وفات پدرش، به نجف رفت و در درس سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه)، شیخ محمد حسین مامقانی و آیت الله العظمی شهرستانی شرکت کرد و اجازات اجتهاد را دریافت کرد. بعد از ۱۴ سال تلاش علمی به هند بازگشت و مرجعیت دینی دکن نائل شد و دروس اخلاق و فقه را برپا کرد. آثاری از ایشان به یادگار مانده است.^۳

۱۱-۴- احمد علی (۱۳۸۹ - ۱۳۰۳ ق)

احمد علی در لکنهو متولد شد. در کودکی پدرش (مفتی محمد عباس) فوت کرد

۱. مطلع انوار، ص ۶۵۸؛ تذکره علماء امامیه و پاکستان، ص ۶۹۰.

۲. نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۸۱ تذکره بی‌بها، ص ۶۶.

۳. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۶۶؛ خورشید خاور، ص ۴۷.

ولی مادرش در تربیت او همت گماشت. از سال ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۷ در مدرسه سلطان المدارس درس خواند. سپس به مدرسه ناظمیه رفت و در سال ۱۳۱۸ همراه مادرش به عتبات عالیات رفت و از محضر اساتیدی همچون سید کاظم طباطبایی، غلام حسین مازندرانی حایری، آقا ضیاء عراقی و آخوند خراسانی استفاده کرد و در بیست و چهار سالگی اجازه اجتهاد گرفت.

پس از بازگشت از عراق در سید المدارس امروهه به تدریس پرداخت. پس از مدتی به مدرسه ناظمیه رفت و سپس تمام مسئولیت مدرسه بر عهده او گذاشته شد. ایشان با تلاش زیاد و با کمک‌های مالی مردم هند و مراجع ایران و عراق رونق خاصی به مدرسه بخشید.^۱

۱۲-۴- اختر عباس نجفی (۱۹۹۹ - ۱۹۲۵م)

اختر عباس نجفی در استان پنجاب در نواحی کوت ادو به دنیا آمد. تحصیلاتش را در مدرسه بریلوی‌ها آغاز کرد و در دانشگاه دیوبند ادامه داد. از اساتیدی مانند آیت الله سید محمد یارشاه نیز کسب فیض کرد و در سال ۱۹۴۵م به نجف رفت و در درس بزرگانی همچون آیت الله خوبی شرکت کرد و هم‌درس آیت الله محمد باقر صدر و موسوی اردبیلی بود.

در سال ۱۹۴۵ در دیدار آیت الله العظمی بروجردی در قم برای تأسیس مدرسه‌ای در لاهور مأموریت یافت. با دار التبلیغ اسلامی که توسط آیت الله شریعتمداری در ایران احداث شده بود همکاری داشت. علاوه بر تأسیس جامعه المنتظر، دارالتبلیغ اسلامی جامعه الشیعه و جامعه خدیجه الکبری را نیز تأسیس کرد.^۲

۱۳-۴- امجد حسین اله آبادی (متوفی ۱۳۵۰ق)

امجد حسین اهل اله آباد بود. تعلیمات ابتدایی را نزد پدرش فرا گرفت و سپس به

۱. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۷۱، مطلع انوار، ص ۱۱۱.

۲. خورشید خاور، ص ۴۹.

لکنهو رفت و تحصیلاتش را نزد اساتید آنجا با اجازات اجتهاد به پایان رساند.^۱ در سال ۱۳۰۵ق تألیف و تدریس را آغاز کرد و پس از ده سال سکونت در لکنهو به اله آباد رفت. در سال ۱۳۰۹ به عراق رفت. در مدت ده سال و نیم اقامت در عتبات عالیات از اساتیدی مانند سید محمد کاظم طباطبایی کسب فیض کرد و اجازه اجتهاد و نقل روایت گرفت.^۲ در سال ۱۳۲۷ق در اله آباد مدرسه‌ای تأسیس کرد.^۳

۱۴-۴- آقا حسن (قدوة العلماء) (۱۳۴۸ - ۱۲۸۲ق / ۱۹۲۹ - ۱۸۶۵م)

حسن بن سید کلب حسین در لکنهو متولد شد. دروس صرف، نحو، منطق، فقه و ادبیات، اصول و علم منقول و معقول را فرا گرفت و سپس به عتبات عالیات رفت و از محضر اساتیدی همچون زین‌العابدین حایری و محمد حسین مامقانی بهره برد و اجازه اجتهاد گرفت. ایشان در علم هیئت نیز مهارت داشت.^۴

فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی ایشان در بازگشت به هند عبارتند از: برگزاری نماز عیدین، تأسیس انجمن صدر الصدور، احداث مدرسه دینی جعفریه، تأسیس انجمن یادگار علما، تأسیس بین‌الملل شیعه.^۵

۱۵-۴- سید راحت حسین گوپالپوری (۱۳۷۰ - ۱۲۹۷ق / ۱۹۵۱ - ۱۸۸۰م)

سید راحت حسین در دهکده گوپالپور سیوان متولد شد. پس از تعلیم ابتدایی، دروس حوزوی را در مدارس کهجوه، ایمانیه مظفرپور مقدمات و سطح را فرا گرفت و سپس به تدریس پرداخت. در این مدت رضای و پزشکی نیز آموخت.^۶

۱. الذریعه، ج ۳، ص ۴۷۴.

۲. خورشید خاور، ص ۹۱.

۳. تذکره بی‌بها، ص ۵۷.

۴. اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۲؛ نقباء البشر، ج ۱، ۴۲۸؛ مطلع انوار، ص ۴۵.

۵. دانشنامه ادب فارسی، حسن انوشه، ج ۴، بخش دوم، ص ۹۷۵، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰؛

نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۲؛ الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، ج ۳، ص ۱۱۶۳.

۶. خورشید خاور، صص ۱۴۷ و ۱۵۳؛ تذکره بی‌بها، ص ۱۶۲.

در سال ۱۳۲۰ق استادیار مدرسه سلطان المدارس لکنهو شد. در سال ۱۳۲۸ق به نجف رفت و پس از کسب فیض از محضر اساتیدی همچون سید ابوالحسن اصفهانی، سید کاظم خراسانی و سید کاظم یزدی به درجه اجتهاد نائل شد.^۱

در سال ۱۹۱۵ مدیر مدرسه بزرگ «الواعظین» شد و در سال ۱۳۳۶ مدیر اخبار شیعه اثنا عشری دهلی گردید. در سال ۱۳۵۰ رساله عملیه خود را به نام توشه آخرت چاپ کرد.^۲ مهم‌ترین آثار ایشان عبارتند از: انوار القرآن (تفسیر)، مرشد امت (کلام)، کتاب‌های دیگری در مowضع رجال، فقه و تاریخ و سیره از ایشان به یادگار مانده است.^۳

۱۶-۴- سیدظفر الحسن رضوی (۱۴۰۳ - ۱۳۲۹ق / ۱۸۵۷ - ۱۹۱۰م)

سید ظفر در خطیب‌پور از توابع اعظم گره متولد شد. مراحل ابتدایی حوزوی را نزد پدرش فرا گرفت. سپس به مدرسه علمیه ایمانیه بنارس و سپس مدرسه سلطان المدارس [لکهنو] رفت و به عالی‌ترین مدرک حوزوی (صدر الافاضل) دست یافت. ایشان تحصیلات دانشگاهی در رشته ادبیات فارسی و عربی نیز داشتند.

در سال ۱۹۳۷م به نجف رفت و در درس بزرگانی همچون سید ضیاء الدین عراقی، سید جواد تبریزی و سید ابوالحسن اصفهانی کسب فیض کرد و اجازه اجتهاد گرفت. در سال ۱۹۴۰م به هندوستان برگشت و در حوزه علمیه جامع العلوم جوادیه بنارس به تدریس پرداخت و سپس تا آخر عمر مدیر آنجا بود. تأسیس ماهنامه علمی الجواد (۱۹۵۰) و تأسیس انجمن رفاه المؤمنین جهت رفع خصومات درد مظالم شیعیان از اقدامات اجتماعی ایشان بود.^۴

۱۷-۴- سید علی نقی نقوی (۱۴۰۸ - ۱۳۲۳ق / ۱۹۸۸ - ۱۹۹۵م)

هنوز به چهارسالگی نرسیده بود که همراه پدرش به عراق رفت. تا ۹ سالگی که در عراق بود ادبیات عرب را فرا گرفت و پس از بازگشت به هند تحصیلات حوزوی خود

۱. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۳.

۲. مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۱۵۱.

۳. خورشید خاور، صص ۱۵۶-۱۵۵؛ مطلع انوار، ص ۲۶۰.

۴. اعلام الهند، محمد سعید طریحی، ج ۱، ص ۶۹۷، بیروت، موسسه بلاغ - دارسلونی، ۲۰۰۵.

را ادامه داد و مدارک فاضل، سند الافاضل، ممتاز الافاضل و صدر الافاضل را از مدارس ناظمیه و سلطان المدارس دریافت کرد^۱ و تدریس علوم حوزوی را آغاز کرد.^۲

در ۲۲ سالگی به نجف رفت و از محضر علمایی همچون ابوالحسن اصفهانی، نائینی و سید ضیاء الدین عراقی استفاده کرد و به درجه اجتهاد رسید.^۳

در نجف کتاب ارزشمند «کشف النقاب عن عقائد عبدالوهاب» و «اقالة العاثر فی اقامه الشعائر» و «السیف الماضي علی العقائد الاباضی» را در رد وهابیت و خوارج نوشت که مورد توجه علمای ایران و عراق قرار گرفت.^۴

۱۸-۴- جعفر حسین مفتی (۱۹۸۲ - ۱۹۱۴م)

در شهر گوجران والا (پنجاب) متولد شد و پس از گذراندن تعلیمات ابتدایی در ۱۴ سالگی به لکنهو رفت و هشت سال از اساتید آنجا بهره برد. در سال ۱۹۳۶ به نجف رفت و ۴ سال از محضر اساتیدی همچون سید ابوالحسن اصفهانی کسب فیض کرد. جعفر حسین در بازگشت از عتبات عالیات عمر خود را وقف حمایت از حریم شیعه و پاسخ به شبهات و فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی نمود. تأسیس مدرسه جعفریه، ترجمه اردو و نهج البلاغه، شرکت در کنفرانس پاسخ به شبهات قادیانیات، نماینده شیعه در نهاد مشورتی اسلام و نهاد نظریاتی اسلام. با تلاش‌ها و مجاهدت‌های ایشان فقه جعفری در پاکستان به رسمیت شناخته شد.^۵

۱۹-۴- سید مرتضی کشمیری (۱۳۲۳ - ۱۲۶۸ق)

سید مرتضی بن سید مهدی شاه کشمیری در لکنهو به دنیا آمد. بعد از فرا گرفتن علوم عقلی و نقلی در زادگاهش به عتبات عالیات رفت و به اجازه اجتهاد نایل آمد.

۱. مطلع انوار، ص ۴۰۵.

۲. خورشید خاور، ص ۲۶۵.

۳. مطلع انوار، ص ۴۰۵؛ فهرست التراث، سید محمد حسین حسینی جلالی، ج ۲، ص ۶۲۷، قم، دلیل ما؛ وقایع الاذهان، ابی‌المجد محمدرضا نجفی الاصفهانی، ص ۳۸، قم، مؤسسه اهل‌البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳.

۴. الذریعه، ج ۲، ص ۲۷۰، ج ۱۸، ص ۶۵.

۵. خورشید خاور، صص ۱۲۰-۱۱۴.

ایشان علاوه بر اجتهاد در فقه و اصول، در حدیث، درایه، رجال، منطق، هیئت، فلسفه و ریاضی نیز متبحر بودند. ایشان در نجف مرحوم شدند و به خاک سپرده شدند.^۱

۲۰-۴- محمد هادی لکنهوی (۱۳۵۷ - ۱۲۹۱ق / ۱۹۳۸ - ۱۸۷۴م)

سید محمد هادی در لکنهوی به دنیا آمد و با علاقه و اشتیاق علوم دینی را نزد پدر و برادر بزرگش فرا گرفت. سپس به نجف رفت و در دروس شیخ فتح الله اصفهانی و محمد کاظم طباطبایی خراسانی شرکت کرد و پس از کسب اجازه‌های اجتهاد به لکنهوی بازگشت.^۲

۲۱-۴- محمدسعید سعید المله (۱۳۸۷-۱۳۳۳هـ)

محمدسعید سعید المله در خانواده علم و اجتهاد در لکنهوی به دنیا آمد و مدارج علمی را زود طی کرد. در سال ۱۹۳۲ به نجف اشرف رفت و از بزرگانی چون شیخ عبدالحسین رشتی اجازه اجتهاد گرفت.

علاوه بر علمایی که شرح حال آنها گذشت، شخصیت‌های فرهنگی - تبلیغی زیادی نیز در هند برای گسترش فرهنگ تشیع کوشیده‌اند، برخی آنها را بیان می‌کنیم.

۱. سید علی جواد زنگی‌پور (۱۳۳۹ - ۱۲۴۷ق) در شهر بنارس که پایگاه هندوها بود تلاش‌های زیادی را جهت رونق مدرسه ایمانیه و ایجاد تشخص هویتی و تعصب دینی مسلمانان در تمایز از هندوها انجام داد. او وحدت بین شیعه و سنی برقرار کرد و بین مسلمانان و هندوان دوستی و محبت برقرار کرد.^۳

۲. عدیل اختر (۱۳۷۰ - ۱۳۱۵ق) تحصیلات حوزوی را تا مرحله ممتاز الافاضل در مدرسه مشارع الشرایع ناظمیه ادامه داد. ایشان فعالیت تبلیغی و فرهنگی زیادی در گسترش و تعمیق شیعه در هند انجام داد. مقابله با نهضت سدهی،^۴ نیابت ریاست

۱. مطلع انوار، ص ۶۴۷؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۲۱؛ گلشن ابرار، ج ۴، ص ۲۷۷.

۲. مطلع انوار، ص ۳۲۷؛ دانشنامه شیعیان کشمیر، سید محسن حسینی کشمیری، ج ۱، ص ۲۹۰، مرکز احیای آثار بر صغیرمآب، شعبه کراچی، ۲۰۱۱.

۳. مطلع انوار، صص ۲۸۳-۲۸۲.

۴. نهضتی که در آن از مسلمانان می‌خواستند مجدداً به مذهب هندو برگردند.

مدرسه الواعظین، تعمیر مساجد، دعوت سنیان و مسیحیان به شیعه از جمله آنهاست.^۱
 ۳. سید نجم الحسن رضوی (۱۳۵۷ - ۱۲۷۹ق) در امروجه متولد شد و تحصیلات
 حوزوی را تا سطح عالی در هند انجام داد. با کمک افراد خیر به تأسیس مدارس
 مختلف در مناطق شیعه پرداخت؛ مدرسه مشارع الشرایع (مدرسه ناظمیه) در لکنهو،
 سید المدارس و نور المدارس در امروجه، نجم المدارس در کانپور، احسن المدارس در
 شکارپور و مدرسه دینیه در منهجن پور.^۲

ایشان با سید محمد کاظم یزدی صاحب عروه رابطه نزدیکی داشتند. فعالیت‌های
 اجتماعی دینی ایشان فراوان بودند مانند ریاست شورای کنفرانس شیعه در لکنهو،
 ریاست مدرسه الواعظین^۳، شرکت در کمیته پگت یا کمیسیون السب.^۴
 ۴. سید محمد سجاد بنارسی (۱۳۴۷ - ۱۳۰۱ق / ۱۹۲۸ - ۱۸۴۲م) در بنارس به دنیا
 آمد و تحصیلاتش را نزد پدرش به اتمام رساند. پس از درگذشت پدر مدیریت مدرسه
 ایمانیه را برعهده گرفت. سید محمد آرزوی پدرش برای ساخت مدرسه عالی دینی در
 بنارس را برآورده کرد و مدرسه‌ای به نام جامع العلوم جوادیه تأسیس کرد تا طلاب از
 رفتن به لکنهو بی‌نیاز شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۱. مطلع انوار، ص ۳۵۷.

۲. تراز سیاست، علی ابوالحسنی، ص ۱۵۳.

۳. اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۰۵.

۴. مطلع انوار، ص ۶۸۰.

جمع‌بندی

در این مقاله پس از بیان تاریخچه ورود اسلام و تشیع به هند و همچنین بیان تاریخچه علمی شیعیان در هند، شخصیت‌های علمی شیعه در هند را بررسی کردیم. در این بین چند نکته مهم به نظر می‌رسد:

۱. فعالیت علمی شیعیان هند تا حد زیادی به حکومت‌های شیعه گره خورده است. تا زمانی که حاکمان شیعه بر سر کار بوده‌اند زمینه فعالیت علمی علما و اندیشمندان شیعه فراهم بوده است اما زمانی که حکومت‌های شیعه ضعیف شده یا زوال یافته‌اند، فعالیت علمی شیعیان نیز کاهش یافته است. از این رو بعد از زوال پادشاهی اوده^۱، رونق علمی شیعیان در هند نیز رو به زوال گذاشت؛ زیرا از طرفی پشتوانه قدرت پادشاهی به پایان رسید و از طرف دیگر علمای بزرگ کناره گرفته و از صحنه خارج شدند. از این جهت زمینه برای علمای اهل سنت فراهم شد.^۲ بر این اساس از مهم‌ترین علل افول شیعیان در هند را باید در استعمار انگلیس در هند مشاهده کرد.

۲. حکومت‌های شیعی در هند و فضای آرام عمومی در هند زمینه را برای مهاجرت بسیاری از علما از سراسر جهان اسلام به هند به ویژه ایران فراهم کرد. حضور این علما در هند برکات علمی بسیاری برای شیعیان هند داشت.

۳. علمای شیعه هند در همه هند زندگی می‌کردند ولی بیشتر آنها از شهرهای لکهنو، بنارس، اله آباد و جونپور بوده‌اند. در این بین شهر لکهنو اهمیت ویژه‌ای داشته است. دلیل این اهمیت ویژه که لکهنو را به مهد علم و ادب تبدیل کرده دو چیز است: الف) در لکهنو پادشاهان شیعه حکومت می‌کردند (شاهان اوده) و به علما اهمیت زیادی می‌دادند. شاهان اوده مدارس و حوزه‌های علمیه را تأسیس کردند و طلاب علوم

۱. ر. ک: تاریخ اوده، محمد نجم الغنی خان رامپوری؛ کراچی، نفیس اکیدمی؛ تاریخ اوده، سید کمال الدین حیدر حسنی الحسینی المشهدی طون طبسی (اردو).

۲. ر. ک: تاریخ اوده، واجد علی، ص ۵۹، چاپ لکهنو، بی‌تا.

دینی به این شهر رجوع کردند.^۱

ب) دو خاندان بزرگ اجتهاد که سرشناس‌ترین آنها دلداری علی نقوی و میرحامد حسین (صاحب‌عبقات‌الانوار) هستند در شهر لکنه‌و زندگی می‌کردند. البته در این بین نباید شهر حیدرآباد و زندگی‌پور^۲ را از یاد برد که در آن علمای بزرگی زندگی می‌کردند.

۴. بیشتر علما در هند گرایش کلامی داشته‌اند. اگر کسی فقیه یا مفسر یا مورخ بوده است، گرایش نخستش کلامی بوده است؛ زیرا در هند بین شیعه و سنی همواره اختلاف، مناظره و مباحثه وجود داشته است. بر این اساس کتاب‌های کلامی متعدد و فاخری در تبیین عقاید شیعه و پاسخ به شبهات نگاشته شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ر. ک: لکنه‌و مهد علم و ادب، دکتر واسطی، ص ۱۰۳، مطبوعه لکنه‌و، بی‌تا؛ تاریخ لکنه‌و، دبتی زبیر احمد، ص ۲۱، چاپ لکنه‌و، بی‌تا.
۲. اخیراً کتابی به نام «در منشور در بیان علمای زندگی‌پور» نوشته شده که تقریباً صد و بیست عالم از آن دیار را ذکر کرده است.

۱. Speight, E. E. "The Coins of the Bahmani Kings of the Deccan", Islamic Culture IX, ۱۹۳۵.
۲. Yazdian, G. "The Great Mosque of Gulbarga" f ۱۹, Islamic Culture, II, ۱۹۲۸.
۳. احسن الوديعه، محمد مهدي كاظمي اصفهاني، مطبعة النجاح، بغداد، بی تا.
۴. احقاق الحق، قاضی نورالله شوشتری، منشورات مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم.
۵. اختران تابناک یا کشف الکواکب، ذبیح الله محلاتی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة تهران، ۱۳۶۱
۶. اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰م؛
۷. اعلام الهند، محمد سعید طریحی، مؤسسه البلاغ، بیروت، لبنان، ۲۰۰۵م.
۸. الاعلام بمن فی تاریخ الهند من الاعلام، عبد الحی بن فخر الدین حسینی ترمذی، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م.
۹. اعیان الشیعه، سید محسن الامین، مطبع الاصفاف، بیروت، ۱۳۷۰ق، ۱۹۵۱م.
۱۰. اکبرنامه، ابوالفضل علامی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۱۱. اکبرنامه، شیخ ابوالفضل علامی، کلکته، ۱۸۷۳-۱۸۸۷م.
۱۲. امل الأمل، محمد بن حسن حر عاملی، دارالکتاب الاسلامی، مطبعة نمو، دارالکتب الاسلامی، قم.
۱۳. آیین اکبری، شیخ ابوالفضل علامی، لکهنو، ۱۸۹۲م.
۱۴. بررسی جایگاه ایرانیان در شیعه در عرصه علم و سیاست هندوستان، از سده ۹ تا ۱۲ هجری، راضیه نجاتی حسینی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۹۳.
۱۵. بساتین السلاطین، غلام مرتضی زبیری، حیدرآباد، رکن، ۱۳۱۰ق.
۱۶. تاریخ اوده، سید کمال الدین حیدر حسنی الحسینی المشهدی طون طبسی (اردو).
۱۷. تاریخ اوده، محمد نجم الغنی خان رامپوری، کراچی، نفیس اکیدمی؛
۱۸. تاریخ اوده، واجد علی، چاپ لکهنو، بی تا.
۱۹. تاریخ تصوف در هند، سید اطهر عباس روضوی، منصور معتمدی، تهران، مرکز نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۰.
۲۰. تاریخ تفکر اسلامی در هند، احمد عزیز، ترجمه نقی لطفی، محمد جعفر یاحقی، کیهان، تهران، ۱۳۶۶.
۲۱. تاریخ شیعیان، علی علی حسین روضوی، مطبوع عباس بک ایجنسی، رستم نگر، درگاه حضرت عباس، لکهنو، ۱۴۲۳ق.

۲۲. تاریخ لکهنو، دبتی زبیر احمد، چاپ لکهنو، بی تا.
۲۳. تاریخ و سفرنامه حزین، محمد علی حزین، تحقیق و تصحیح علی داوانی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۲۴. تحفه العالم در ذیل التحفه، میر عبداللطیف خان شوشتری، به اهتمام صمد موحد، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.
۲۵. تذکره علماء الامامیه، سید عارف حسین نقوی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: نجوم السماء، ص ۲۷۹؛
۲۶. تذکره بی بها، محمد حسین حسینی نوگانوی، کاظم بک دپو، دهلی هند، بی تا.
۲۷. تذکره علماء مرویه، سید شهنسوار حسین نقوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۹۹۷م.
۲۸. تذکره علمای امامیه پاکستان، سید حسین عارف نقوی، ترجمه محمد هاشم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۲۹. تذکره مجید در احوال شهید، سید سبط حسن هسنوی، ناشر مزار اقدس شهید ثالث، شماره ۱، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.
۳۰. تراز سیاست، علی ابوالحسنی، دبیرخانه کنگره بزرگداشت دویستمین سالگرد میلاد شیخ انصاری، قم، ۱۳۷۳.
۳۱. تشیع در هند، جان نورمن هالیستر، ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۳۲. تکمله نجوم السماء، میرزا محمد مهدی لکهنوی کشمیری، مکتبه بصیرتی، قم.
۳۳. خورشید خاور، سید سعید اختر، معارف، پبلیکشنز، گوپالپور، باقر گنج، ضلع، سیوان، بهار، هندوستان.
۳۴. دانشنامه ادب فارسی، حسن انوشه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰؛
۳۵. دانشنامه شیعیان کشمیر، سید محسن حسینی کشمیری، مؤسسه مرکز احیای آثار بر صغیر مآب، شعبه کراچی، ۲۰۱۱.
۳۶. دائرة المعارف تشیع، غلام حسین مصاحب، امیر کبیر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۰.
۳۷. دائرة المعارف اسلامیه (اردو)، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۴۰۰ق
۳۸. الذریعه الی تصانیف الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، مؤسسه مطبوعات اسماعیلیان، الطبعة الثانية، سال ۱۴۰۸ق؛
۳۹. رجال، ابوالعباس النجاشی، مؤسسه انتشارات سلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸هـ. ق، ۱۳۷۶ش.

۴۰. رود کوثر، محمد اکرم، مطبع مکتبه جدید پریس، لاهور، ۱۹۵۷ سوم.
۴۱. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، میرزا محمد باقر خوانساری موسوی، مکتبه اسماعیلیان، قم، خیابان ارم، بی‌تا؛
۴۲. ریحانه الادب، محمد علی مدرس، خیام، بی‌تا.
۴۳. شاهان شاعر، ابوالقاسم حالت، انتشارات علمی تهران، ۱۳۴۶ش؛
۴۴. شیعه در هند، سید عباس اطهر رضوی، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
۴۵. صبح گلشن، سید علی حسن حسینی خان بهادر، کلکته، ۱۲۹۵هـ؛
۴۶. طبقات اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، دار المرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق.
۴۷. طبقات اعلام الشیعه، آغا بزرگ تهرانی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ دوم؛
۴۸. علماء العرب فی شبه القاره الهندیه، ابراهیم یونس سامرای، المکتبه الوطنیه، بغداد
۴۹. الغدیر، علامه امینی، بنیاد بعثت، تهران.
۵۰. فرشتگان جهان، سید محمد تقی رضوی بحر العلوم، باقر العلوم فاوندیشن، لکهنو، هند.
۵۱. فهرست التراث، سید محمد حسین حسینی جلالی، قم، دلیل ما؛
۵۲. فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدراپی خویی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.
۵۳. فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه، شیخ عباس قمی، انتشارات مرکزی، ۱۳۲۷ش.
۵۴. کتاب سبز کشور جمهوری هند، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۵۵. کرام البرره، آغا بزرگ تهرانی، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق.
۵۶. کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و الاسفار، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۹ق.
۵۷. گلشن ابرار، گروهی از نویسندگان، چاپ دانش، قم، ۱۳۸۲
۵۸. گلشن ابراهیمی یا تاریخ فرشته، محمد قاسم هندوشاه استرآبادی فرشته، ج ۳، صص ۲۹۱-۳۰۱، بی‌تا.
۵۹. لکهنو مهد علم و ادب، دکتر واسطی، مطبوعه لکهنو، بی‌تا؛
۶۰. مجالس الطالبین، قاضی نور الله شوشتری، کتاب فروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.
۶۱. مراکز المسلمین التعلیمیة و الثقافیة و الدینیة فی الهند، عبدالحلیم ندوی، مدارس، مطبوعه نوری المحدوده، ۱۹۶۷.
۶۲. مستدرکات اعیان الشیعه، حسن الامین، دارالتعاریف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۹ق، ۱۹۸۹م.
۶۳. مطلع الانوار، سید مرتضی حسین نقوی، ترجمه دکتر محمد هاشم، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد.
۶۴. منتخب التواریخ، عبدالقادر بدایونی، کلکته، ۱۸۶۹-۱۸۶۴.

۶۵. مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، فرهنگ ارشاد، ویراسته ژاله باختر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶.
۶۶. مهاجرت هنرمندان ایرانی به هند در دوره صفوی، کوشا کفایت، مجله آیین میراث، دوره جدید، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۳.
۶۷. موسوعه طبقات الفقهاء، گروهی از نویسندگان، موسسه امام صادق، ۱۴۲۰ق؛
۶۸. نجوم السماء، محمد علی آزاد کشمیری، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.
۶۹. نزهة الخواطر، عبدالحی حسینی ترمذی، دار ابن حزم، بیروت، لبنان، ۱۴۲۰ق.
۷۰. نقباء البشر، محمد محسن آغا بزرگ تهرانی، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ق.
۷۱. هندوستانی حوزات علمیه نمبر - نمبر ۲۰۰۹ / ذی قعدة ۱۴۳۰ - تنظیم عسکری، قم، ایران، ناشر تنظیم عسکری با تعاون جامعه المصطفی العالمیه.
۷۲. ورثة الانبياء، صاحب حمایت الاسلام هندی، مطبع تصویر عالم، لکهنو، ۱۳۳۶ق.
۷۳. وقایه الاذهان، ابی المجد محمدرضا نجفی الاصفهانی، قم، مؤسسه اهل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳.

